

ارزیابی پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	«هذا خَلَقَ اللهُ»: ۷ پیمانه / ۸۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۴۳	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۳۰	۳	۴۵	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۴۷	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۴۹	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۸۰ تست	۷ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۱ آزمون

ارزیابی پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	ذوالقرنین: ۶ پیمانه / ۷۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۵۱	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۵۳	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۵۴	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۵۷	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۷۰ تست	۶ پیمانه	۷ صفحه	جمع ۱ آزمون

ارزیابی پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	يا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَابُهُ: ۴ پیمانه / ۶۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۵۸	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۶۰	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۱	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۲	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۶۰ تست	۴ پیمانه	۶ صفحه	جمع ۱ آزمون

ارزیابی پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	صِنَاعَةُ التَّلْمِيحِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ: ۶ پیمانه / ۸۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۴	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۶۵	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۶	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۷	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۶۹	۵- آزمون ویژه برترها
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۷۰	۶- آزمون جامع پایه دهم
			۸۰ تست	۶ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۳ آزمون

عربی پایه یازدهم (بخش دوم)

لزایه پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	مِن آیاتِ الأخلاق: ۷ پیمانه / ۷۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۷۳	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۷۵	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۷۶	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۷۹	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۷۰ تست	۷ پیمانه	۷ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	فی مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ: ۴ پیمانه / ۵۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۸۰	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۸۱	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۸۲	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۸۳	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۵۰ تست	۴ پیمانه	۵ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	عجائبُ الأشجار: ۶ پیمانه / ۶۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۸۵	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۸۷	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۸۸	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۰	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۶۰ تست	۶ پیمانه	۶ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	آدابُ الكلام: ۶ پیمانه / ۶۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۱	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۲	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۳	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۴	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۵	۵- آزمون ویژه برترها
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۶	۶- آزمون ترکیبی درس ۱ تا ۴
			۶۰ تست	۶ پیمانه	۷ صفحه	جمع ۳ آزمون

لژیای پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	الکذب مفتاح لكل شر: ۴ پیمانه / ۵۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۹۸	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۱۰	۲	۹۹	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۳	۱۰۰	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۴	۱۰۲	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۵۰ تست	۴ پیمانه	۶ صفحه	جمع ۱ آزمون

لژیای پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	آنه ماری شیمیل: ۴ پیمانه / ۵۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۱۰۴	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۱۰	۲	۱۰۵	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۳	۱۰۶	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۴	۱۰۸	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۵۰ تست	۴ پیمانه	۶ صفحه	جمع ۱ آزمون

لژیای پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	تأثیر اللغة الفارسیة على اللغة العربیة: ۶ پیمانه / ۹۰ تست
آبی	سبز	زرد	۲۰	۱	۱۱۰	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۲۰	۲	۱۱۱	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۲۰	۳	۱۱۳	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۴	۱۱۵	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
آبی	سبز	زرد	۱۰	۵	۱۱۷	۵- آزمون ویژه برترها
آبی	سبز	زرد	۱۰	۶	۱۱۸	۶- آزمون جامع پایه یازدهم
			۹۰ تست	۶ پیمانه	۹ صفحه	جمع ۳ آزمون

عربی پایه دوازدهم (بخش سوم)

لژیای پیشرفت

مسلط	نسبتاً مسلط	مسلط نیستم	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	الدین و التّدین: ۶ پیمانه / ۸۰ تست
آبی	سبز	زرد	۱۰	۱	۱۲۰	۱- واژگان و مفاهیم
آبی	سبز	زرد	۳۰	۲	۱۲۱	۲- قواعد
آبی	سبز	زرد	۳۰	۳	۱۲۳	۳- ترجمه
آبی	سبز	زرد	۱۰	۴	۱۲۶	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			۸۰ تست	۶ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	مکة المکرمة و المدینة المنورة: ۵ پیمانه / ۷۰ تست
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۲۸	۱- واژگان و مفاهیم
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۲۹	۲- قواعد
زرد	سبز	آبی	۳۰	■	۱۳۰	۳- ترجمه
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۳۴	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			تست ۷۰	۵ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	الکتب طعام الفکر: ۵ پیمانه / ۸۰ تست
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۳۶	۱- واژگان و مفاهیم
زرد	سبز	آبی	۴۰	■	۱۳۷	۲- قواعد
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۴۰	۳- ترجمه
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۴۳	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
			تست ۸۰	۵ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۱ آزمون

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	القرآن ذوق: ۵ پیمانه / ۸۰ تست
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۴۴	۱- واژگان و مفاهیم
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۴۶	۲- قواعد
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۴۷	۳- ترجمه
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۵۰	۴- آزمون جمع‌بندی پایان درس
زرد	سبز	آبی	۱۰	■	۱۵۱	۵- آزمون ویژه برترها
			تست ۸۰	۵ پیمانه	۸ صفحه	جمع ۲ آزمون

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	درک مطلب: ۵ پیمانه / ۷۰ تست
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۷۰	■	۱۵۲	۱- درک مطلب
			تست ۷۰	۵ پیمانه	۸ صفحه	جمع

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	تعداد پیمانه	صفحه	ضبط حرکات: ۲ پیمانه / ۲۰ تست
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۲۰	■	۱۶۰	۱- ضبط حرکات
			تست ۲۰	۲ پیمانه	۲ صفحه	جمع

لزایه پیشرفت

مسئله	نسبتاً مسلط	مسلط	تعداد تست	صفحه	کنکور سراسری ۹۸: ۵۰ تست	
زرد	سبز	آبی				
زرد	سبز	آبی	۲۵	۱۶۲	۱- کنکور سراسری تجربی ۹۸	
زرد	سبز	آبی	۲۵	۱۶۵	۲- کنکور سراسری ریاضی ۹۸	
			تست ۵۰	۶ صفحه	جمع ۲ آزمون	
					۱۶۹	پاسخ‌نامه تشریحی

عربے پایہ دھم

وزگان و مفاهیم

صفحة ۱ تا ۸ عربی ۱

بیمانه ۳
۱۰
تست

بیمانه ۲
۱۰
تست

بیمانه ۱
۱۰
تست

بیمانه‌های ۱ تا ۳

۱. عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ التَّرَادُفِ وَ التَّنَادُ: ۱.

- (۱) نور = ضياء / شراء ≠ بيع
(۲) نجم = كوكب / بداية ≠ نهاية
(۳) ذات = صاحب / رَقْد ≠ نام

۲. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدِ:

- (۱) فُسَاتِين: فُسْتَان / عَقَارِيْب: عَقْرَبَة
(۲) أَحْجَار: حَجْر / أَنْجُم: نَجْم
(۳) غُصُون: غُصْن / خُسْرَان: خُسْر

۳. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطًا:

- (۱) «عَمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» ← انجام می‌دهید
(۲) أَنْظُرْ إِلَى مَا عَمَلٍ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ عَمَلًا ← انجام نداد
(۳) قَوْل «لَا أَعْلَمُ» نَصْفُ الْعِلْمِ! ← نمی‌دانم
(۴) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ! ← ما را قرار نده

۴. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطًا:

- (۱) وَ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ ← ابر
(۲) فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ ← نازل کرد
(۳) فَصَبِّرِ الْأَرْضَ بِهَ خَضِرًا ← گردانید
(۴) كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ ← خوابید

۵. عَيْنِ مَفْرَدِ «الدَّرَرِ»:

- (۱) الدار (۲) الدَّر (۳) الدَّوْر (۴) الدَّائِر

۶. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي مَفْرَدِ الْجُمُوعِ الْمَكْسَرَةِ التَّالِيَةِ:

- (۱) غُصُون ← غُصْن (۲) دَرَر ← دَر (۳) أَنْعَم ← نَعْمَة (۴) نُجُوم ← أَنْجُم

۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِيْنِ: «تَرَجِمَتْ كُلَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ ... بِ... مُفِيدٍ فِي الْمَكْتَبَةِ!»

- (۱) مُنْهَمِرًا - مُعْجَم (۲) مُنْهَمِرًا - لُغَة (۳) مُسْتَعِينًا - لُغَة (۴) مُسْتَعِينًا - مُعْجَم

۸. مَا هُوَ الْخَطَأُ فِي تَوْضِيحِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ؟

- (۱) «الدَّرَر» ← من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض.
(۲) «الغيَم» ← بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.
(۳) «الفسْتَان» ← من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.
(۴) «فصل الخريف» ← الفصل الرابع في السنة و بعده الشتاء.

۹. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّنَادِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) بَيْع ≠ شِرَاء / قَبِيح ≠ جَمِيل
(۲) ضَوْء ≠ ظَلْمَة / بَاهِظ ≠ غَالِي
(۳) مَسْرُور ≠ حَزِين / يَمِين ≠ يَسَار
(۴) رَاسِب ≠ نَاجِح / رَخِيصَة ≠ غَالِيَة

۱۰. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي مَفْرَدِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) أَنْجُم: نَجْم (۲) أَنْعَم: نَعْمَة (۳) أَمْطَار: مَطَر (۴) دَرَر: دَار

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

(آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

(آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

(آزمون کانون، ۷ آبان ۹۵)

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۱۱. ۱. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ حَسَبَ الْمَعْنَى:
 (۱) تَقِفُ السَّيَّارَاتُ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْإِشَارَةِ ... ← الْخَضْرَاءُ
 (۲) عَدَدُ شُهُورٍ كُلِّ فَصْلٍ مِنَ السَّنَةِ ... ← أَرْبَعَةٌ
 (۳) ... فَكَيْفَةً لَوْنُهَا أَصْفَرٌ ← الْمِشْمِشُ
 (۴) مَعَ الْأَسْفِ ... أَسَاعِدُكَ، فَأَعْتَذِرُ مِنْكَ ← سَوْفٌ

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۱۲. ۲. عَيْنَ الْخَطَأِ:
 (۱) أَلْجَامِعَةُ ← مَرْكَزُ التَّعْلِيمِ الْعَالِي.
 (۲) الْمَطَرُ ← مَكَانٌ لِلسَّفَرِ بِالطَّائِرَاتِ.
 (۳) الْمُسْتَوْصَفُ ← مَكَانٌ لِفَخْصِ الْمُرْصَى.
 (۴) الْمُحَافَظَةُ ← مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ.

(آزمون کانون، ۱۹ آبان ۹۶)

۱۳. ۳. عَيْنَ جَوَاباً كَلِمَاتِهِ مُنَاسِبَةٌ كُلِّهَا:
 (۱) مَطْعَمٌ / مَلْعَبٌ / مَخْتَبَرٌ
 (۲) عِنَبٌ / رُمَانٌ / جُبْنَةٌ
 (۳) طَيَّارٌ / حَاسِبٌ / بَائِعٌ
 (۴) أَبٌ / رَجُلٌ / أَخٌ

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۱۴. ۴. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ جَوَابِ هَذَا السُّؤَالِ: «بِمَ تَسَافِرُ وَ إِلَى أَيِّ مُحَافَظَةٍ؟»
 (۱) مَعَ أُسْرَتِي، إِلَى إِصْفَهَانَ
 (۲) غَدًا، فِي الْفُنْدُقِ
 (۳) بِالسَّيَّارَةِ، إِلَى فَارِسِ
 (۴) بِالسَّيَّارَةِ، إِلَى شِيرَازِ

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۱۵. ۵. عَيْنَ الْجَوَابِ الْمُنَاسِبِ لِهَذَا السُّؤَالِ: «هَلْ سَافَرْتِ إِلَى مَدِينَتِنَا حَتَّى الْآنَ؟»
 (۱) لَا، مَعَ الْأَسْفِ. سَافَرْتِ إِلَيْهَا.
 (۲) نَعَمْ، سَافَرْتِ إِلَيْهَا غَدًا.
 (۳) لَا، مَا سَافَرْتِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.
 (۴) نَعَمْ، أُسَافِرُ إِلَى مَدِينَتِكُمْ حَتَّى الْآنَ.

۱۶. ۶. «إِنَّ الْمُنَافِقَ ... لَكَ عَمَلَهُ الْقَبِيحَ، وَ مِنْ عَلَامَاتِهِ: إِذَا حَدَّثَ ... وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ!»: عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاعِينَ:
 (۱) يَنْمُو - أَوْجَدَ (۲) يَزِينُ - كَذَبَ (۳) يَنْمُو - كَذَبَ (۴) يَزِينُ - أَوْجَدَ

۱۷. ۷. عَيْنَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْمَوْضُوعِ:
 (۱) مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ. (فرو بردن خشم)
 (۲) (الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ). (شرك)
 (۳) الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. (گفتار سودمند)
 (۴) أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ. (اهمیت علم آموزی)

۱۸. ۸. عَيْنَ الْخَطَأِ عَنِ الْمَفْهُومِ:
 (۱) يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ! ← دَسْتُ بِالْأَيْ دَسْتُ بِسَيَّارِ اسْتِ.
 (۲) مَنْ خَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا! ← چَاه كُنْ هَمِيْشَه تَه چَاه اسْتِ.
 (۳) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! ← اَنْدَازَه نَگَهْدَار كَه اَنْدَازَه نَكُوسْتِ.
 (۴) غُصْفُورٌ فِي الْبَيْدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ! ← گَنْجَشَك بَه دَسْتُ اسْتِ بَه اَز بَاز پَرْنَدَه.

۱۹. ۹. عَيْنَ الْعِبَارَةِ تُنَاسِبُ هَذِهِ الْجُمْلَةَ «التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ»:
 (۱) دَر جَوَانِي پَاك بُوْدَن شِيُوْهِي پِيْغَمْبَرِي اسْتِ / وَرَنَه هَر گَبْرِي بَه پِيْرِي مِي شُوْد پَرهِيْزَكَاَر
 (۲) شَبَابِ عَمْرِ عَجَبٌ بَا شَتَابِ مِي گَزْدَرْدِ / بَدِيْن شَتَابِ خُدَايَا شَبَابِ مِي گَزْدَرْدِ
 (۳) تُوْبَه كَرْدَم اَز جَوَانِي تَا كَنَم خُوش زَنْدَاگَانِي رَا / چَه سُوْد اَز زَنْدَاگَانِي چُوْن تَبَه كَرْدَم جَوَانِي رَا
 (۴) خُسْرُوَا پِيْرَانَه سَر حَافِظِ جَوَانِي مِي كَنْدِ / بَر اَمِيْد عَفُو جَانِ بَخْشِ گَنْه فَرْسَايِ تُو

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۲۰. ۱۰. عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْجَوَارَاتِ:
 (۱) مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ ← أَنَا عَلِيٌّ
 (۲) كَيْفَ حَالُكَ؟ ← أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟
 (۳) صَبَاحَ الْخَيْرِ! ← صَبَاحَ التَّوْرِ وَ السَّرْوَرِ!
 (۴) مَنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ← أَنَا إِيرَانِيٌّ يَا أَخِي!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۲۱. ۱. عَيْنَ الْخَطَأِ حَوْلَ الْجَوَارِ:
 (۱) فِي أَيِّ فَصْلٍ تَذْهَبِينَ إِلَى السَّفَرِ؟! ← نَذْهَبُ إِلَى السَّفَرِ فِي فَصْلِ الصَّيْفِ!
 (۲) بِمَ تَذْهَبُ إِلَى السَّفَرِ؟! ← أُسَافِرُ مَعَ أُسْرَتِي بِالسَّيَّارَةِ إِلَى شِيرَازِ!
 (۳) كَمَ مَعْلَمًا فِي مَدْرَسَتِكَ؟! ← أَخَذَ عَشْرَ مَعْلَمًا فِي مَدْرَسَتِي!
 (۴) مَتَى تَخْرُجَنَّ مِنَ الْمَلْعَبِ؟! ← نَخْرُجُ مِنَ الْمَلْعَبِ بَعْدَ اللَّعْبِ!

- (۱) «مَنْ حَفَرَ بُرّاً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.» ← چاه مکن بهر کسی / اول خودت دوم کسی
- (۲) «الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوَاءِ.» ← تا توانی می‌گریز از یار بد / یار بد بدتر بُود از مار بد
- (۳) «عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.» ← دوست آن است که گیرد دست دوست / در پریشان‌حالی و درماندگی
- (۴) «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» ← هر کس باد بکارد، طوفان درو می‌کند.

- (۱) العلمُ في الصَّغَرِ كالتَّقَشِّ فِي الْحَجَرِ!
- (۲) طلبُ العلمِ فريضةٌ على كلِّ مسلمٍ و مسلمةٍ!
- (۳) قولُ «لا أعلم» نصف العلم!
- (۴) علم چندان که بیش‌تر خوانی / چون عمل در تو نیست نادانی!

- (۱) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ!
- (۲) مَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ!
- (۳) گندم از گندم برود جو ز جو!
- (۴) إذا ملكَ الأراذلَ هلكَ الأفاضلُ!

- (۱) «وَأَغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»
- (۲) إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ!
- (۳) نغمه اندر پرده‌ی وحدت بیار! ابر رحمت را به روی ما ببار
- (۴) زنده هر کثرت ز بند وحدت است / وحدت مسلم ز دین فطرت است

- (۱) هر که بامش بیش برفش بیشتر!
- (۲) دست ما کوتاه و خرما برنخیل!
- (۳) سرکه‌ی نقد به از حلواى نسیه!
- (۴) گهی پشت به‌زین و گهی زین به پشت!

- (۱) همه مجرمان را کرمش بخواند / چو به توبه آید و دغا نباشد
- (۲) ای منعم آخر بر خوان جودت / تا چند باشیم از بی نصیبان
- (۳) ای دل خسته ز هجران و ز اسباب دگر / هم از او جوی دوا را که ولی نعمت توست
- (۴) بر در شامه گدایی نکته‌ای در کار کرد / گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود

- (۱) يجبُ على الإنسانِ التعلُّمُ من صِغَرِهِ لِمُشَاهَدَةِ نَتِيجَتِهِ فِي كِبَرِهِ!
- (۲) مَنْ يَبْدَأُ بِالتَّعَلُّمِ مِنْ صِغَرِهِ يَصِلُ إِلَى الْعِلْمِ الْكَثِيرِ فِي كِبَرِهِ!
- (۳) مَنْ يَسْأَلُ عَنِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ فِي صِغَرِهِ يَفْهَمُهَا فِي كِبَرِهِ فَقَطْ!
- (۴) يستطيعُ الإنسانُ على الإجابةِ عن الأسئلةِ الكثيرةِ في كِبَرِهِ إذا سألَ عنها من صِغَرِهِ!

- (۱) إذا ملكَ الأراذلَ هلكَ الأفاضلُ! چو افتد به دست اراذل امور / شود عدل و انصاف، منکوب زور
- (۲) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ! هر کس باد بکارد، طوفان درو می‌کند!
- (۳) «اجعلْ لي لسانَ صِدِّيقٍ فِي الْآخِرِينَ.» بدی کردند و نیکی با تن خویش / تو نیکوکار باش و بد میندیش
- (۴) الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ! سخن را ز پر گفتن آفت بُود / به کوتاه گفتن لطافت بُود

- (۱) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
- (۲) از دل و جانم بگویم این ندا / هر زمان و هر مکان نام تو را
- (۳) هر چه که ببند دیده، خدایش آفریده / خورشید و ماه تابان، ستاره درخشان
- (۴) به نام حق، خالق هر دو جهان / وانچه باشد در زمین و آسمان

- (۱) لَا تَجْعَلُوا ذَفَاتِرَكُمْ فِي الْحَقَائِبِ!
- (۲) أَنْتَمَا كَانْتَا تَرْجِعَانِ مِنَ السَّفَرِ!
- (۳) إِنِّي سَوْفَ أَعْرِفُ أَصْدِقَائِي!
- (۴) أَخْرَجْنَا مِنْ صَفِّكُمَا!

۳۲. ۲. عَيْنِ ما لَيْسَ فِيهِ الْفِعْلُ الْمُسْتَقْبَلُ:

- (۱) سأصيرُ طبيباً لخدمةِ النَّاسِ في وطني!
(۲) هلُ سألْتُم من أنْفِسِكُم ما هو تأثيرُ الألوانِ عَلَيْنَا!
(۳) ستَعْرِفُ قَرِيباً أَنْ الْمِفْتَاحَ الْوَحِيدَ لِلنَّجَاحِ هُوَ الصَّبْرُ!
(۴) أنْتُمْ سَوْفَ تُنْجِحُونَ في امتحاناتِ نِهَايَةِ السَّنَةِ!

۳۳. ۳. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «تَشْيِيرُ السَّاعَةِ عَلَيَّ..... إِذَا كَانَ عَقْرَبُ السَّاعَاتِ عَلَيَّ الْخَامِسَةَ وَ عَقْرَبُ الدَّقَائِقِ عَلَيَّ الْثَالِثَةَ».

- (۱) الخامسة و النصف (۲) الثالثة و الربع (۳) الثالثة و خمس دقائق (۴) الخامسة و الربع

۳۴. ۴. عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أَنْتَنَ كُنْتَنَ يَصْرَحَنَ. (۲) نَحْنُ لَا نَفْعَلُ عَمَلًا. (۳) هُمَا سَوْفَ تَحْصُدَانِ. (۴) أَنْتِ كُنْتِ قَدْ زَرَعْتِ.

۳۵. ۵. عَيْنِ الضَّمَائِرِ الْمُنَاسِبَةِ لِلْفَرَاغِ: «..... فَائِزَةٌ!»:

- (۱) هُوَ / أَنَا / هِيَ (۲) أَنَا / هِيَ / أَنْتِ (۳) أَنْتِ / هِيَ / نَحْنُ (۴) أَنَا / أَنْتِ / أَنْتِ

۳۶. ۶. عَيْنِ الْمَاضِي لِـ «إِكْشِيفَا»:

- (۱) كَشَفْنَا (۲) كَشَفْنَا (۳) كَشَفْنَا (۴) كَشَفُوا

۳۷. ۷. عَيْنِ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ:

«أَنْتُمَا ... فِي قَوْلِكُمَا وَ هُمَا ... كَلَامَكُمَا»

- (۱) لَا تَكْذِبَانِ، مَا صَدَقَا (۲) لَا تَكْذِبَا، لَا يَصَدَقَانِ (۳) مَا كَذَبْنَا، لَا تَصَدَقَانِ (۴) لَا تَكْذِبَانِ، مَا صَدَقْنَا

۳۸. ۸. عَيْنِ الْخَطَأِ حَوْلَ أَوْزَانِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) أَحْمَدُ (أَفْعَلُ) (۲) صَبَّارُ (فُعَالُ) (۳) إِنْتِشَارُ (إِنْفِعَالُ) (۴) فَاتِحَةٌ (فَاعِلَةٌ)

۳۹. ۹. عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ فِعْلِ الْأَمْرِ:

- (۱) يَا أُخْتِي؛ إِصْنَعِي مُسْتَقْبَلَكِ: بِنْفْسِكِ!
(۲) يَا إِخْوَانِ؛ أَنْظِرْنَا إِلَى هَذِهِ الصُّورِ!
(۳) يَا صَدِيقِي؛ أَصْدُقِي فِي حَيَاتِكَ دَائِمًا!
(۴) يَا بِنْتِي؛ أَتْرُكِي النَّوْمَ لِكَي تَنْجُحِي فِي حَيَاتِكَ!

۴۰. ۱۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «قَدْ... اللهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ!»

- (۱) خَرَجَ (۲) يَخْرُجُ (۳) أَخْرَجَ (۴) خُرُوجَ

۴۱. ۱۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي السَّاعَةِ أَوْ الْوِزْنِ:

- (۱) السَّاعَةُ التَّامَّةُ إِلَى رُبْعًا ← ۸:۴۵
(۲) السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ وَ النَّصْفُ ← ۹:۵۰
(۳) وَزْنُ «مُنْتَشِرَةٌ» ← مُفْتَعِلَةٌ
(۴) وَزْنُ «سَابِعَةٌ» ← فَاعِلَةٌ

۴۲. ۱۲. عَيْنِ مَا يُنَاسِبُ «الْمَاضِي الْبَعِيدَ» فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- (۱) كَانُوا يَرْجِعُونَ (۲) كُنْتُمْ قَدْ تَرْجِعُونَ (۳) كَانُوا قَدْ رَجَعُوا (۴) كُنْتُمْ تَرْجِعَانِ

۴۳. ۱۳. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْأَجْوِبَةِ التَّالِيَةِ:

- (۱) الشَّجَرَاتُ: جَمْعُ مَوْثِ سَالِمٍ (۲) إِخْوَانُ: جَمْعُ مَكْسَرٍ (۳) الْخُفَّاطُ: جَمْعُ مَكْسَرٍ (۴) الْبِنْتَانُ: مثنى مؤنث

۴۴. ۱۴. عَيْنِ الْمَاضِي الْمَنْفِيِّ مِنْ «تَقْبَلِينَ»:

- (۱) مَا تَقْبَلِينَ (۲) مَا قَبِلَ (۳) مَا قَبِلْتِ (۴) مَا قَبِلْنَا

۴۵. ۱۵. عَيْنِ مَا يَشْتَمِلُ عَلَى الْمَضَارِعِ الْمَنْفِيِّ:

- (۱) الْإِنْسَانُ الْمَتَوَاضِعُ لَا يَضْحَكُ بِصَوْتٍ مَرْتَفِعٍ.
(۲) لَا تَتْرُكِ السَّعْيَ وَ الْاجْتِهَادَ فِي طَرِيقِ الْعَزِّ.
(۳) لَا تَزْرَعِي الشَّرَّ لِأَنَّكَ تَحْصُدِينَ النَّدَامَةَ.
(۴) «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

۴۶. ۱۶. عَيْنِ الضَّمِيرِ لَا يُنَاسِبُ لِلْفَرَاغِ:

- (۱) ... تَأْكُلُ الْفَوَاكِهَ اللَّذِيذَةَ. (هِيَ)
(۲) ... يَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِصَوْتٍ جَمِيلٍ. (هَنْ)
(۳) ... لَا تَبْحَثُوا عَنِ عِيُوبِ النَّاسِ. (هَمْ)
(۴) ... تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِكَ. (أَنْتِ)

۴۷. ۱۷. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي صِيَاغَةِ الْأَمْرِ:

- (۱) نَظَرْتُ ← أَنْظِرْ (۲) بَحَثْتُ ← إِبْحَثْ (۳) طَلَبْتُ ← أَطْلُبْ (۴) جَلَسْتُ ← إِجْلِسْ

۴۸. ۱۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ نَوْعِ الْأَفْعَالِ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ التَّالِيَةِ:

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ»

- (۱) قُلْ: فِعْلُ امْرٍ / تَعْبُدُونَ: فِعْلُ مَضَارِعِ مَنْفِي
(۲) قُلْ: فِعْلُ امْرٍ / لَا أَعْبُدُ: فِعْلُ نَهْيٍ
(۳) تَعْبُدُونَ: فِعْلُ مَضَارِعٍ / أَعْبُدُ: فِعْلُ مَضَارِعٍ
(۴) أَعْبُدُ: فِعْلُ امْرٍ / عَبَدْتُمْ: فِعْلُ مَاضِي

٤٩. ١٩. عَيْنَ الضَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِعْلِ:

(آرمون كانون، ٢١ مهر ٩٦)

(١) هو ما ظلّمنا أبدأ! (٢) أنتِ كانتِ ترجِعُ مِنَ الشَّرِكَةِ! (٣) أَنتُنَّ سَتَقْبَلِينَ الْكَلَامَ الْحَقَّ! (٤) هُوَ سَأَسْتَعِيزُ بِمُطَالَعَةِ الدَّرُوسِ!

٥٠. ٢٠. عَيْنَ الْخَطَأِ:

(آرمون كانون، ٢١ مهر ٩٦)

(١) أنا مسلمة و أنتِ مؤمنة. (٢) أنتِ معلّمة و أنا عالم. (٣) أنتِ نشيط و أنا مجتهدة. (٤) نحن متعلّمة و هي معلّمة.

بیمانه ٥

٥١. ١. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

(آرمون كانون، ٥ آبان ٩٦)

(١) أنا أحاولُ أن أكتبَ التَّمَارِينَ قَبْلَ بِدَايَةِ الصَّفِّ! ← جمع مذكر سالم
(٢) لا أحبُّ الفُسْتَانَ الَّذِي لِبَسْتِهِ فِي حَفْلَةِ الزَّوْجِ! ← مثنى مذكر
(٣) الاستفادَة مِنَ النِّعَمِ الإِلَهِيَّةِ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ هِيَ الشُّكْرُ! ← مفرد مذكر
(٤) قِرَاءَةُ الْجُمْلِ بِالْعَرَبِيَّةِ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ فِي تَعَلُّمِ اللُّغَةِ! ← جمع تكسير

٥٢. ٢. عَيْنَ الْخَطَأِ فِي تَطَابُقِ الضَّمِيرِ مَعَ الْفِعْلِ:

(آرمون كانون، ٢١ مهر ٩٦)

(١) تَسْتَلْمَانِ: أَنْتِمْ (٢) إِسْتَرْجَعُوا: هُمْ (٣) لَا أَنْتَظِرُ: أَنَا (٤) سَسْتَعِيزِينَ: أَنْتِ

٥٣. ٣. عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا يُوْجَدُ فِيهَا جَمْعٌ مَكْسَرٌ:

(آرمون كانون، ٥ آبان ٩٦)

(١) ذات الغصون النَّضْرَة! (٢) أنظرُ إلى الغيمِ و مطرها!
(٣) ذاك هو الله الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمِرَة! (٤) هو الَّذِي زَانَ اللَّيْلَ بِأَنْجُمِ!

٥٤. ٤. عَيْنَ الْمُنْتَخَبِ الَّذِي كُلُّ كَلِمَاتِهِ جَمْعٌ تَكْسِيرٌ:

(آرمون كانون، ٥ آبان ٩٦)

(١) مساكين، أعداء، ممدوحين (٢) عناوين، يَنَامَى، صالحون (٣) أوقات، دليان، فائزات (٤) شياطين، أصوات، أعداء

٥٥. ٥. عَيْنَ الْخَطَأِ حَسَبِ الْقَوَاعِدِ:

(آرمون كانون، ٥ آبان ٩٦)

(١) يا طالبتي العزيزة لماذا ما كتبتِ دروسكِ خارج الصَّفِّ؟!
(٢) هؤلاء ذهبنَ إلى السُّوقِ لِشُرَاءِ خَاتَمٍ ذَهَبِي!
(٣) أنا نظرتُ إلى السَّمَاءِ وَ بَحِثْتُ عَنِ الشَّمْسِ!
(٤) هذان الطالبانِ ما نَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ!

٥٦. ٦. عَيْنَ الصَّحِيحِ حَسَبِ قَوَاعِدِ الْعَدَدِ:

(آرمون كانون، ١٩ آبان ٩٦)

(١) سيرجعُ أبي بعدَ الشَّهْرِ الْخَمْسَةِ مِنَ السَّفَرِ!
(٢) كتبتُ هذه المقالةَ فِي الْعَامِ الثَّانِي!
(٣) أصيبَ بِمَرَضٍ فَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ سَابِعَ أَيَّامٍ!
(٤) قرأنا من كتابِ الغيزياءِ التَّمْرِينَ الثَّانِيَةَ!

٥٧. ٧. كَيْفَ تُنْفَى الْأَفْعَالُ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ؟: «أحبُّ أبا صديقي لِأَنَّهُ تَكَلَّمَ مَعَ الْأَطْفَالِ فِي السَّاحَةِ بِحَنَانٍ كَثِيرٍ!»

(آرمون كانون، ١٩ آبان ٩٦)

(١) ما أحبُّ- ما تكلمَّ (٢) لا أحبُّ- ما تكلمَّ (٣) ما أحبُّ- لا تكلمَّ (٤) لا أحبُّ- لا تكلمَّ

٥٨. ٨. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِعْلٌ مَاضٍ وَ فِعْلٌ مُضَارِعٌ مَعًا؟

(آرمون كانون، ١٩ آبان ٩٦)

(١) هل سافرتِ إلى إيرانِ حَتَّى الْآنِ؟ لا؛ لَكِنِّي أَحَبُّ الْمَسَافِرَةَ إِلَى إِيْرَانِ!
(٢) إن شاء الله تسافرُ إلى إيرانِ! إلى اللِّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ!
(٣) و قل ذاك هو الله الَّذِي يُخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ الثَّمَرَ!
(٤) و أنظرُ إلى اللَّيْلِ وَ أَسْأَلُ نَفْسِي فَمَنْ أَوْجَدَهَا فِيهِ قَمَرَهُ!

٥٩. ٩. أَيُّ سَاعَةٍ أَكْثَرُ؟

(آرمون كانون، ١٧ آذر ٩٦)

(١) الخامسة و الرَّبَعُ (٢) الخامسة و النِّصْفُ
(٣) الخامسة إلَّا رُبْعاً (٤) الخامسة تمامًا

٦٠. ١٠. عَيْنَ الْخَطَأِ فِي بَيَانِ السَّاعَةِ:

(آرمون كانون، ١٧ آذر ٩٦)

(١) ٧:٣٠ ← السَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ (٢) ١٦:٠٠ ← الرَّابِعَةُ مَسَاءً
(٣) ١١:٤٥ ← الْحَادِيَّةُ عَشْرَةٌ إلَّا رُبْعاً (٤) ٦:١٥ ← السَّادِسَةُ وَ الرَّبَعُ

٦١. ١١. «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَا وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَا!» عَيْنَ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ:

(آرمون كانون، ١٧ آذر ٩٦)

(١) نهى (٢) أمر (٣) نفى (٤) فعل ماضٍ

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۶۲. ۱۲. عَيْنِ الْخَطَا: نحنُ ...!

- (۱) مشغولونَ بِمُطَالَعَةِ الدَّرُوسِ فِي الْمَدْرَسَةِ!
- (۲) نَصِرُوا الْأَصْدِقَاءَ فِي قِرَاءَةِ الدَّرُوسِ!
- (۳) سَافَرْنَا مَعَ أَصْدِقَائِنَا إِلَى شَمَالِ إِيْرَانِ!
- (۴) نُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ دَائِمًا!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۶۳. ۱۳. عَيْنِ الْخَطَا فِي صَيَغِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) أَخَوَاتِي لَا يَذْهَبْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ!
- (۲) هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ خَرَجَتَا مِنَ الصَّفِّ!
- (۳) ذَهَبَ طَلَّابٌ مَدْرَسَتِي إِلَى تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ!
- (۴) إِنَّكُمْ سَيَذْهَبَانِ إِلَى الْجَامِعَةِ!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۶۴. ۱۴. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «يَا خَدِيجَةَ: إِلَى بَيْتِكِ!»

- (۱) إِرْجِعِي
- (۲) إِرْجِعَا
- (۳) لَا تَرْجِعِي
- (۴) إِرْجِعِي

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۶۵. ۱۵. عَيْنِ ضَمِيرًا لَا يُنَاسِبُ الْفِعْلَ: «..... صَعَدَتِ الْجِبَلَ!»

- (۱) أَنْتِ
- (۲) هِيَ!
- (۳) هُوَ
- (۴) أَنَا

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۶۶. ۱۶. عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُنَاسِبَةِ فِي النَّوعِ كُلِّهَا:

- (۱) هُوَ / هَذِهِ / أَنْتِ / نَحْنُ
- (۲) جَهَّزُوا / أَوْجَدَ / انْتَضَرُوا / سَافَرْتُ
- (۳) مَنْ / أَيْنَ / مَتَى / كُمْ
- (۴) لَا تَنْظُرَنَّ / لَا تَجْعَلَا / لَا تَأْكُلِينَ / لَا تَكْذِبِي

۶۷. ۱۷. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي صِيَاغَةِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) هَؤُلَاءِ التَّلْمِيذَاتُ يَدْرُسْنَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ!
- (۲) أَوْلَيْكَ الطَّلَّابُ تُطَلِّعُونَ دُرُوسَهُمْ فِي الْمَكْتَبَةِ!
- (۳) يَا زَيْنَبُ! أَلَا تَفْهَمُ مَعْنَى هَذِهِ الْعِبَارَةِ!؟
- (۴) هَذَانِ الطَّبِيبَانِ تَعْمَلَانِ فِي مُسْتَوْصَفٍ هَذِهِ الْمَدِينَةَ!

۶۸. ۱۸. عَيْنِ الْخَطَا عَنِ اسْتِعْمَالِ «اسْمِ الْإِشَارَةِ»:

- (۱) يُرِيدُ هَذَا الشَّابُّ أَنْ يُشَارِكَ فِي مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ!
- (۲) هَؤُلَاءِ النَّاسُ لَا يُحِبُّونَ أَنْ يَتْرَكُوا الْمَسَاكِينَ عِنْدَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ!
- (۳) هَذِهِ النِّسَاءُ فِي الْقِيَامِ بِأَعْمَالِهِنَّ الْيَوْمِيَّةِ مُجِدَّاتٌ!
- (۴) أَظُنُّ أَنِّي رَأَيْتُ زَمِيلَتِي فِي الضِّيَافَةِ بَتِلْكَ الْمَلَابِسِ الْغَالِيَةِ!

۶۹. ۱۹. عَيْنِ الْخَطَا حَوْلَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطَا:

- (۱) «أَنْتِ فَعَلْتِ هَذَا بِأَيْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ» ← إِسْمُ الْإِشَارَةِ لِلْقَرِيبِ
- (۲) قَالَ إِبْرَاهِيمَ (ع): إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ ← فِعْلٌ مَاضٍ
- (۳) كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ ← جَمْعُ تَكْسِيرٍ
- (۴) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ! ← فِعْلٌ مُضَارِعٌ

۷۰. ۲۰. عَيْنِ حَرْفِ «لَا» لَيْسَ لِلنَّفْيِ:

- (۱) يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ قَبْلَ التَّفَكُّرِ!
- (۲) لَا تَرْفَعِ اللَّعَابَةَ عَظْمَ بِلَادِهَا قَبْلَ الْمَرَامِسِ!
- (۳) لَا تَكْشِفِي عَيْوَبَ الْأَخَوَاتِ فِي حَيَاتِهِنَّ أَبَدًا!
- (۴) لَيْسَ مِمَّا مَنْ لَا يَسْتَرْجِعُ الْأَمَانَاتَ إِلَى صَاحِبِهَا!

ترجمه

صفحة ۱ تا ۸ عربی ۱

پیمانہ ۷
تست ۲۰

پیمانہ ۶
تست ۱۰

پیمانہ های ۶ و ۷

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۷۱. ۱. «علينا النظرُ إلى الشمسِ التي جذوتها مُستعرة و إلى نزولِ الأمطارِ مِنَ الغيمِ!»:

- (۱) باید به خورشید که پاره‌ی آتشش فروزان است و به بارش باران از ابرها بنگریم.
- (۲) نگاه کردن به خورشید که پاره‌ی آتشش فروزان است و به بارش بارانها از ابر، بر ما لازم است.
- (۳) به خورشید که پاره‌های آتش آن تابان است و به بارش باران از ابرها باید نگریم.
- (۴) واجب است به خورشید که پاره‌های آتش آن درخشان است و به بارش بارانها از ابر بنگریم.

۷۲. ۲. «المؤمنون الذين يتفكرون في خلق السماوات والأرض ربنا ما خلقت هذا باطلاً». «مؤمنان کسانی هستند که...»

- ۱) در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، آفریدگار این‌ها را بی‌بیهوده نیافریده است.
- ۲) در آفرینش آسمان و زمین می‌اندیشند، پروردگار ما این‌ها را بی‌بیهوده خلق نکرد.
- ۳) در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشید، پروردگارا این‌ها را بی‌بیهوده نیافریدی.
- ۴) در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، ای آفریدگار ما این‌ها را بی‌بیهوده خلق نکردی.

۷۳. ۳. «لما وصل الشَّابُّ إلى هناك و رأى الجسر، بدأ بالبكاء و قَبَلَ يَدَ أَخِيهِ لِصُنْعِ الجِسرِ!»: وقتی جوان.....

- ۱) به آنجا رسید و پل را دید گریه کرد و بخاطر ساخته شدن آن پل دست برادر خود را فشار می‌دهد.
- ۲) به آنجا رسید و پل را مشاهده کرد شروع به گریستن کرد و بخاطر ساخت پل دست برادرش را بوسید.
- ۳) به آن محل می‌رسد و پل را مشاهده می‌کند شروع به گریه می‌کند و بخاطر ساخت پل دست برادرش را می‌بوسد.
- ۴) به آن محل رسید و پل را دید شروع به گریه کرد و بخاطر درست شدن پل به دست برادرش او را پذیرفت.

۷۴. ۴. «إذا قدرت على عدوك فاجعل العفو عنه شكراً للقدرة عليه!»: (آزمون کانون، ۱۹ آذر ۹۵)

- ۱) اگر بر دشمن قدرت یافتی، او را عفو کن به خاطر شکر برای قدرت یافتنت بر او!
- ۲) هنگامی که بر دشمن قدرت یافتی، گذشت از او را، شکر برای قدرت یافتن بر او قرار بده!
- ۳) اگر بر دشمن غلبه یافتی، او را ببخش تا سپاسگزار به خاطر قدرت یافتن بر او باشی!
- ۴) وقتی بر دشمن خود پیروز گشتی، باید او را عفو کنی برای شکرگزاری به سبب قدرت یافتن بر او!

۷۵. ۵. «أنزل الله من الغيم مطراً كثيراً و نمت هذه الأشجار و الآن غصونها نضرة!»: (آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

- ۱) خدا از ابری بزرگ باران می‌فرستد و این درختان رشد می‌کنند و اکنون شاخه‌هایشان تازه و سبز هستند!
- ۲) خداست که باران را از ابرها فرستاد و این درختان رشد کردند و حالا شاخه‌های تازه دارند!
- ۳) خداوند از ابر بارانی بسیار فرو فرستاد و این درختان رشد کردند و اکنون شاخه‌هایشان تر و تازه است!
- ۴) از جانب خداوند ابری پر باران فرستاده شد و هم‌اکنون این درختان بزرگ شدند و شاخه‌هایشان لطیف است!

۷۶. ۶. «خلق الله السماوات والأرض بالحق، إن في ذلك لآية للمؤمنين!»: (سراسری تجربی ۹۵)

- ۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست!
- ۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن (خلقت) آیتی است برای مؤمنان!
- ۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنان است!
- ۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها به وسیله الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنان را!

۷۷. ۷. «في حدیقتنا شجرة ذات عُصون نضرة أفرح برؤيتها كل يوم!»: (آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

- ۱) درخت باغ ما شاخه‌های تازه‌ای دارد که هر روز مرا شاد می‌کند!
- ۲) در باغ ما درختی با شاخه‌هایی تازه هست که هر روز با دیدن آن خوشحال می‌شوم!
- ۳) در باغ ما شاخه‌های درخت، تازه است که هر روز با دیدنش خوشحال می‌شوم!
- ۴) درختی با شاخه‌های تر و تازه در باغ ما وجود دارد که هر روز آن را می‌بینم و شاد می‌شوم!

۷۸. ۸. «نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين!»: (سراسری زبان ۹۵)

- ۱) از قرآن هر چه را نازل کرده‌ایم شفا و رحمت برای مؤمنان است.
- ۲) آن‌چه را که برای مؤمنان شفا و رحمت است، از قرآن نازل می‌کنیم.
- ۳) آن‌چه را که برای مؤمنان مایه‌ی شفا و رحمت است به وسیله قرآن نازل کرده‌ایم.
- ۴) از قرآن فقط آن‌چه را که برای مؤمنان شفا بخش و رحمت آفرین باشد، نازل می‌کنیم.

۷۹. ۹. «أرحم من في الأرض حتى يرحمني من في السماء!»: (آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

- ۱) به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند!
- ۲) تو باید به کسی که در زمین است رحم کنی تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند!
- ۳) به کسی که در زمین است رحم می‌کنم تا کسی که در آسمان است به من رحم کند!
- ۴) رحم کردن به کسی که در زمین است باعث رحم کردن به من در آسمان است!

۸۰. ۱۰. «انسان با استفاده از سنن و قوانین غیر قابل تغییر در جهان به هدف خود خواهد رسید.»: (سراسری ریاضی ۸۴)

- ۱) بالانتفاع من السنن و القوانين التي لا تتغير يصل الإنسان إلى أهدافه.
- ۲) سوف يصل الإنسان إلى هدفه باستفادته من السنن و القوانين دون تغيير.
- ۳) سيصل الإنسان إلى غايته بالاستفادة من السنن و القوانين التي لا تتغير في العالم.
- ۴) الإنسان يتمتع بالسنن و القوانين التي تتغير و سوف يصل إلى الغاية في الدنيا.

۸۱. ۱. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) زان رَبِّي اللَّيْلَ بِالنَّجْمِ كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ: پروردگارم شب را با ستارگانی مانند مروارید پخش شده زینت داده است!
- (۲) سَلَّمْتُ عَلَى أَحَدِ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ! به کارمندی در ایستگاه قطار سلام کردم!
- (۳) يَتَنَاوَلُ الطَّيَّارُونَ فَوَاكِهَ مَفِيدَةَ كَالجَزْرِ! خلبان‌ها میوه‌های مفیدی مانند هویج می‌خورند!
- (۴) يا أَخواتي لا تتركنَ صديقاتِكُنَّ في المَشاكلِ! ای خواهرانم، شما دوستانتان را در مشکلاتشان رها نمی‌کنید!

۸۲. ۲. عَيْنَ الخَطَأِ:

- (۱) مَنْ ذا الَّذِي يُخْرِجُ مِنَ الشَّجَرَةِ هَذِهِ الثَّمَرَاتِ؟! کیست کسی که از درخت این میوه‌ها را بیرون می‌آورد؟
- (۲) كان لَأُمِّي خاتَمٌ فَضِيٌّ جَميلٌ: مادرم انگشتر نقره ای زیبایی دارد.
- (۳) نَنْظُرُ إِلَى ما قالَ و لا نَنْظُرُ إِلَى مَنْ قالَ: به آنچه گفت می‌نگریم و به کسی که گفته نمی‌نگریم.
- (۴) ما سافرتَ صَدِيقَتِكَ إِلَى تلكَ المَدِينَةِ حَتَّى الانَ: دوست تو تا به حال به آن شهر مسافرت نکرده است.

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۸۳. ۳. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) «رَبِّنا ما خَلَقْتَ هَذا باطِلاً» پروردگارا این باطل را تو خلق نکردی!
- (۲) لا يَتَفَكَّرُ النَّاسُ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ! مردم در آفرینش آسمان و زمین نمی‌اندیشند!
- (۳) العالِمُ مِصباحٌ يَنْتَشِرُ ضِياؤُهُ فِي العالَمِ! دانشمند چراغی است که نورش در دنیا پخش می‌شود!
- (۴) أَنْظِرُ إِلَى العِيوْمِ السَّوَداءِ فِي السَّماءِ! به ابر سیاه در آسمان نگاه کن!

(آزمون کانون، ۲۱ آبان ۹۵)

۸۴. ۴. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّماءِ»: به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.
- (۲) «الكلامُ كالدَّواءِ؛ قَليلُهُ يَنْفَعُ و كَثيرُهُ قاتِلٌ»: سخن چون دارویی است که اگر کم باشد سود می‌رساند ولی اگر زیاد باشد زیان می‌رساند.
- (۳) «نَظَرُ إِلَى ما قالَ و لا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قالَ»: به آنچه گفته است می‌نگرم و به کسی که می‌گوید نمی‌نگرم.
- (۴) «قول لا أَعْلَمُ نصفَ العِلْمِ»: سخن که بر «می‌دانم» دلالت کند، نیمی از علم است.

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۸۵. ۵. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) «نَظَرُ إِلَى جَلِيسِكَ قَبْلَ الصَّداقَةِ»: به دوستانت پیش از دوستی بنگر.
- (۲) «إِنَّ أَجْمَ السَّماءِ ذاتِ ضِياءٍ كَثيرِ فِي اللَّيْلِ»: همانا ستارگان آسمان دارای نوری بسیار در شبند.
- (۳) «هَذِهِ الدَّرْرُ زَينَتُ تلكَ العِرفَةِ فِي بَيتِنا»: این مروارید آن اتاق را در خانه‌مان می‌آراید.
- (۴) «عَفواهُمُ متى تَسافِرِينَ إِلى بِلدانِ إِيرانَ؟!»: ببخشید، آیا به کشور ایران سفر خواهی کرد؟

(آزمون کانون، ۵ آبان ۹۶)

۸۶. ۶. عَيْنَ الخَطَأِ:

- (۱) «ذَهَبَتِ الطَّالِبَاتُ إِلى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْأَسبوعِ الماضِي»: دانش‌آموزان در هفته‌ی گذشته به یک گردش علمی رفتند.
- (۲) «عَزَمَ النَّجَّارُ عَلى صَنعِ جَسَرٍ كَبيرٍ عَلى النَّهْرِ الجَدِيدِ»: نجار خواست پلی بزرگ روی رودخانه‌ی جدید بسازد.
- (۳) «لِنَفقاتِ العالِيَةِ فِي الجامِعَةِ وَاجَهَتِنِي بِالمُشكَلَةِ»: هزینه‌هایم در دانشگاه سنگین است و من با مشکل مواجه هستم.
- (۴) «سائقُ الحافِلَةِ كانَ يَجهِزُ سِيارَتَهُ بِبطَّارِيَّةٍ جَدِيدَةٍ»: راننده‌ی اتوبوس، خودرویی خود را به باطری جدیدی مجهز می‌کرد.

(آزمون کانون، ۱۹ آبان ۹۶)

۸۷. ۷. عَيْنَ الخَطَأِ فِي تَرْجَمَةِ العِباراتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) الجَوْ حارٌّ جَدًّا، فَمَتى يَأْتِي الخَريفُ؟! هوا خیلی گرم است، پس پاییز کی می‌آید؟
- (۲) أَعْمَلُ لَدنِيايِ كاتِي أَعِيشُ فِيها أَبداً! برای دنیایم کار می‌کنم، گویا همیشه در آن زندگی می‌کنم!
- (۳) سَوفَ يَأْتِي الَّذِي نَنتَظِرُهُ! کسی که چشم به راهش هستیم، خواهد آمد!
- (۴) الجَوْ كانَ أَمَسَ بارِداً جَدًّا و لَذا ما خَرجتُ مِنَ البَيتِ! امروز هوا بسیار سرد است و برای همین از خانه بیرون نمی‌روم!

(آزمون کانون، ۲۱ مهر ۹۶)

۸۸. ۸. عَيْنَ الخَطَأِ:

- (۱) الجاهِلُ يَزينُ لَكَ فَعْلَهُ و يُحِبُّ أَنْ تَكونَ مِثْلَهُ! نادان کار خود را برای تو می‌آراید و دوست دارد که همانند او باشی!
- (۲) لا تُسافِرُ يا رَجُلُ! لَيسَ لِي حَبيبٌ فِي هَذِهِ المَدِينَةِ! ای مرد سفر مکن، دوست من در این شهر نیست!
- (۳) يَسجُدُ لِلهِ الشَّمسُ و القَمَرُ و النَّجُومُ! خورشید و ماه و ستارگان برای خدا سجده می‌کنند!
- (۴) أَحَدُ المَوظَّفِينَ كانَ يُساعِدُ النَّاسَ! یکی از کارمندان به مردم کمک می‌کرد!

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۸۹. ۹. عَيْنَ الخَطَأِ:

- (۱) «الشَّمسُ جَدَّوْتُها مُسْتَعْرَةً»: خورشید پاره‌ی آتشش فروزان است.
- (۲) «نَظَرْتُ لِلشَّجَرَةِ ذاتِ الغِصونِ النَّصْرَةِ»: به درخت دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کردم.
- (۳) «أوجَدُ اللهُ فِي الجَوْ الشَّمسَ مِثْلَ الشَّرِّرَةِ»: خدا در هوا خورشید را مثل پاره‌ی آتش به وجود آورد.
- (۴) «وَ زانَ اللَّيْلَ بِالنَّجْمِ كالدَّرْرِ المَنتَشِرَةِ»: و شب را با ستارگانی مانند مروارید پراکنده زینت داد.

۹۰. ۱۰. عَيْنٌ غَيْرَ الصَّحِيحِ:

- (۱) «الحمد لله الذى خلق السموات و الأرض»: ستایش برای خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید.
- (۲) «الشمس كالشجرة التى ضوءها مستور»: خورشید مانند پاره‌ی آتشی است که نورش فروزان است.
- (۳) «جَهْرُنَا بِالْقُوَّةِ الْمُفْتَكِرَةِ الِذَى أَنْعَمَهُ مُنْهَمِرَةً»: ما را نیرومند ساخت خردمندی که نعمت‌هایش ریزان است.
- (۴) «مَنْ يَقْدِرُ عَلَىٰ إعْطَاءِ الْفَاكِهِةِ الْمَلُوتَةِ مِنَ الْخَشَبِ!»: چه کسی می‌تواند میوه‌ی رنگارنگ از چوب بدهد!؟

(آزمون کانون، ۲۳ مهر ۹۵)

۹۱. ۱۱. «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ!»:

- (۱) یکتا پرست به دین روی آور و از مشرکان نباش!
- (۲) با یکتا پرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش!
- (۳) درحالی که یکتا پرست هستی به دین روی آور و از مشرکان نباش!
- (۴) با یکتا پرستی به دین روی آور و هرگز مشرک نباش!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۲. ۱۲. «يَنْزِلُ اللَّهُ الْأَمْطَارَ مِنَ الْغَيْومِ وَ يَزِينُ اللَّيَالِي بِالنُّجُومِ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ!»:

- (۱) خداوند، باران‌ها را از ابرها نازل می‌کند و شب‌ها را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت می‌دهد!
- (۲) خداوند، بارانی را از ابرها می‌فرستد و شب‌ها را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داده است!
- (۳) خداوند، باران‌ها را از ابرها می‌فرستد و شب‌ها را با ستاره ای مانند مروارید پراکنده زینت می‌دهد!
- (۴) خداوند، باران‌ها را از ابری نازل کرده است و شب‌ها را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده تزین می‌کند!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۳. ۱۳. «تَعْلَمُ، قَدْ نَمَتْ هَذِهِ الْأَشْجَارُ مِنْ حَبَّةٍ وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْهَا الثَّمَرَاتِ!»:

- (۱) می‌دانیم، این‌ها درختانی هستند که از یک دانه رشد کرده‌اند و خدا از آن‌ها میوه‌هایی خارج می‌کند!
- (۲) می‌دانیم، این درختانی که از دانه رشد می‌کنند خدا از آن‌ها میوه خارج می‌کند!
- (۳) می‌دانیم، این درختان از دانه ای رشد می‌کنند و خدا از آن‌ها میوه خارج می‌کند!
- (۴) می‌دانیم، این درختان از دانه ای رشد کرده اند و خدا از آن‌ها میوه‌ها را خارج می‌کند!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۴. ۱۴. «رَبُّنَا هُوَ الَّذِي جَهَّزَ الْإِنْسَانَ بِالْقُوَّةِ الْمُفْتَكِرَةِ!»:

- (۱) پروردگار ما انسان را به نیروی اندیشه مجهز کرده است!
- (۲) پروردگار ما انسان ها را از نیروی تفکر برخوردار کرده است!
- (۳) پروردگار ما همان کسی است که انسان را به قدرت تفکر مجهز نموده است!
- (۴) پروردگار کسی است که به انسان اندیشه قوی بخشیده است!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۵. ۱۵. «هناك أنجم كثيرة في السماء ينتشر ضياؤها اليوم و لكن قد مضى كثير من الوقت من موتها!»:

- (۱) ستارگان بسیاری در آسمان هستند که نورشان را در روز منتشر کرده‌اند، اما زمان زیادی از عمرشان می‌گذرد!
- (۲) در آسمان ستاره‌های زیادی وجود دارد که هر روز نورشان را پخش می‌کنند، اما از زمان مرگ آن‌ها مدت زیادی می‌گذرد!
- (۳) آسمان دارای ستاره‌های فراوانی است که امروزه نورشان را منعکس می‌کنند، اما مدت زیادی است که نابود شده‌اند!
- (۴) در آسمان ستاره‌های بسیاری هستند که امروزه نورشان منتشر می‌شود، اما مدت زیادی از مرگشان گذشته است!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۶. ۱۶. «أُحْتَى، لَا تَخْزَنِي، إِضْحَاكِي لِلْحَيَاةِ، أَنْتِ سَتَنْجَحِينَ قَرِيباً!»:

- (۱) خواهرم، باعث اندوه من نشو، به‌خاطر زندگی خوشحال باش، پیروزی تو نزدیک است!
- (۲) دخترم، اندوهگین مشو، به زندگی لبخند بزن، تو به‌زودی پیروز خواهی شد!
- (۳) دخترم، مرا اندوهگین نکن، شادمان زندگی کن، تو به‌زودی موفق می‌شوی!
- (۴) خواهرم، غمگین نشو، به زندگی بخند، تو به‌زودی موفق خواهی شد!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۷. ۱۷. «عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ!»:

- (۱) ابراهیم، تبر را بر شانه بت آویخت!
- (۲) ابراهیم، تبر را بر شانه‌های بت آویخت!
- (۳) ابراهیم، تبر را بر شانه بت آویخته بود!
- (۴) ابراهیم، تبر را بر شانه بت‌ها آویخت!

(سراسری ریاضی، ۹۴)

۹۸. ۱۸. «كَانَ أَبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِماً أَنَّ طَرِيقَ الْوَصُولِ إِلَى الْعُلَى هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!»:

- (۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دست‌یابی بر بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- (۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها، خوبی کردن در حق ناس است!
- (۳) پدران ما همواره تأکید می‌کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی کردن در حق مردم است!
- (۴) نیاکان ما دائماً سفارش می‌کنند که طریق رسیدن به بزرگی‌ها، احسان در حق الناس است!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۹۹. ۱۹. عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) جَعَلَ اللَّهُ جَدْوَةَ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةَ سَبَبَ ضِيَاءِ الْعَالَمِ! خداوند، پاره آتش فروزان خورشید را سبب روشنی جهان قرار بده!
- (۲) مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ! خداوند به آن‌ها ظلم نکرد، ولی به خودشان ظلم می‌کردند!
- (۳) الْفُسْتَانَ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْجَمِيلَةِ! پیراهن زنانه، از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های متفاوت است!
- (۴) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ! ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی و روشنایی‌ها را بنهاد!

۱۰۰. ۲۰. عَيْنَ الْخَطَا:

- (۱) وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ!؛ و خداوند به آن‌ها ستم نکرد، بلکه خود به خویشتن ستم کردند!
- (۲) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ!؛ هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند!
- (۳) أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالُ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ!؛ به آن چه گفت بنگر و به آن که گفت ننگر!
- (۴) قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ!؛ گفتن «نمی‌دانم» نصف دانش است!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۶)

۱۰
تست

بیمانه ۸ - آزمون جمع‌بندی پایان درس

صفحه ۸ تا ۸ عربی ۱

■ عَيْنَ الْأَصْحَ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱.۱. ۱. «سوف أستلم حقيبتى من مخزن البضائع فى الساعة السادسة إلّا ربعا.»:

- (۱) كيفم را از انبارهای کالا در ساعت یک ربع به نه پس خواهم گرفت. (۲) می‌خواهم چمدان‌هایم را از انبار کالاها در ساعت شش، یک ربع کم بگیرم.
- (۳) كيفم را از انبار کالاها در ساعت یک ربع مانده به شش دریافت خواهم کرد. (۴) من چمدانم را از انبار کالا در ساعت شش و ربع دریافت می‌کنم.

۱.۲. ۲. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) زَانَةُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ!؛ با ستارگانی چون مرواریدهای گوناگون، آن را زیبا نمود!
- (۲) لَا مَعَ الْأَسْفِ، مَا سَافَرْتُ إِلَى إِيْرَانِ حَتَّى الْآنَ!؛ متأسفم تاکنون به ایران مسافرت نکرده‌ام!
- (۳) لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا!؛ جان‌هایتان را نباید بکشید، (زیرا) خداوند نسبت به شما مهربان است.
- (۴) وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ!؛ و خدا به آن‌ها ستم نکرد، ولی خود به خویشتن ستم می‌کردند.

۱.۳. ۳. «والدين تجارب ارشمندى را در زندگى خویش جمع‌آوری کرده‌اند.»:

- (۱) الوالدان قد جمعا تجارب قيمة فى حياتهما. (۲) الوالدين اجتمعوا تجربة ثمينة فى الحياة الدنيا.
- (۳) كان الوالدان قد جمعا تجارب ثمينة طول الحياة. (۴) إن الوالدين اكتسبوا تجارب سامية طول حياتهم القيمة.

■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

«يَسْأَلُ بَعْضُ النَّاسِ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْجَدَ كُلَّ جَمَالٍ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَلِمَاذَا مَا أَنْزَلَ مَلَائِكَتَهُ لِإِبْلَاحِ رِسَالَتِهِ؟ لِمَ مَا جَهَّزَ النَّبِيَّ (ص) بِقُدْرَةٍ عَجِيبَةٍ لِيَجْرِبَنَا عَلَى تَرْكِ أَعْمَالِنَا السَّيِّئَةِ؟ فَيُجِيبُهُمُ اللَّهُ: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ! نَعَمْ! فَإِنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) جَمِيعُهُمْ مِنَ الْبَشَرِ، وَ بِكُلِّ مَا يَحْمِلُ الْبَشَرَ مِنْ غَرَائِزُ وَ عَوَاطِفِ إِنْسَانِيَّةٍ، حَتَّى يَشْعُرُوا بِالْأَلَمِ وَ يُدْرِكُوا الْحَاجَةَ كَمَا يَشْعُرُ وَ يُدْرِكُ الْآخَرُونَ، وَ أَمَّا الْمَلَائِكَةُ فَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى إِدْرَاكِ هَذِهِ الْأُمُورِ جَيِّدًا وَ الْإِطْلَاحَ عَلَى مَا يَدُورُ فِي أَعْمَاقِ نَفْسِ الْإِنْسَانِ بِوُضُوحٍ!»

۱.۴. ۴. عَيْنَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: الْمَلَائِكَةُ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى...!

- (۱) إدراك العواطف الإنسانية! (۲) إبلاغ الكلام من الله! (۳) الإحساس بالألم! (۴) المعرفة بأفكار البشر!

۱.۵. ۵. عَيْنَ الْخَطَا:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ قَدْ إِنْتَخَبَ الْأَنْبِيَاءَ لِإِبْلَاحِ الرِّسَالَةِ! (۲) يُدْرِكُ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ مَا يَدُورُ فِي أَعْمَاقِ نَفْسِ الْإِنْسَانِ!
- (۳) تَرَكَ السَّيِّئَاتِ لَيْسَ بِسَبَبِ قُدْرَةِ مُسَيِّطَرَةٍ خَارِجِ أَنْفُسِنَا! (۴) الَّذِينَ يَسْأَلُونَ «لِمَ مَا جَهَّزَ النَّبِيَّ بِ...» فَهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ!

۱.۶. ۶. عَيْنَ الْعُنْوَانِ الْمُنَاسِبِ لِلنَّصِّ:

- (۱) قُدْرَةُ الْأَنْبِيَاءِ! (۲) الْغَرَائِزُ وَ الْعَوَاطِفُ الْإِنْسَانِيَّةُ! (۳) إِبْلَاحُ الرِّسَالَةِ! (۴) إِدْرَاكُ الْحَاجَاتِ!

۱.۷. ۷. كَمْ فِعْلًا مَاضٍ جَاءَ فِي النَّصِّ؟

- (۱) سبعة (۲) ستة (۳) أربعة (۴) ثلاثة

■ عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِلجَوَابِ عَنِ الْاسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

۱.۸. ۸. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطَا:

- (۱) هَذَا دَلِيلَانِ: اسْمُ جَمْعٍ مَذْكَرٍ سَالِمٍ، مَفْرُودٌ «دَلِيلٌ» رَاهِنَمَا» (۲) أَوْلَئِكَ فَائِزَاتٌ: جَمْعٌ مَوْثَقٌ سَالِمٌ، مَفْرُودٌ «فَائِزٌ»
- (۳) هَذَا مِفْتَاحٌ: اسْمٌ، وَزْنُهُ «مِفْعَالٌ» وَ حُرُوفُهُ الْأَصْلِيَّةُ «فَتْحٌ» (۴) هُوَلاءُ الْأَعْدَاءِ: جَمْعٌ مَكْسَرٌ، مَفْرُودٌ «الْعَدَاوَةُ»

۱.۹. ۹. عَيْنَ جَوَابًا كُلَّهُ جَمْعٍ تَكْسِيرٍ:

- (۱) شُرَّةٌ - أُنْعَمٌ - جِيرَانٌ (۲) دُرَّرٌ - أَحْجَارٌ - جُمَلٌ (۳) حُبُوبٌ - غَيُومٌ - مَطَارٌ (۴) نِسَاءٌ - دَلِيلَانٌ - أُلُوانٌ

۱.۱۰. ۱۰. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ مَاجَاءَ جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَوْثَقِ:

- (۱) آيَاتُ الْقُرْآنِ تَهْدِينًا إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ. (۲) هُوَلاءُ الطَّالِبَاتِ يَتَعَدَّنَ عَنِ السَّيِّئَاتِ.
- (۳) هَذِهِ الْآيَاتُ تُشِيرُ إِلَى الْهُدُوءِ وَ السَّلَامِ. (۴) أَصْدِقَائِي يَحَاوِلُونَ أَنْ يَعْمَلُوا الْحَسَنَاتِ.

واژگان و مفاهیم

صفحه ۹ تا ۲۰ عربی ۱

بیمانه
۱۰
تست

بیمانه
۹
تست

بیمانه‌های ۹ و ۱۰

۱۱۱. ۱. عَيْنَ الْخَطَا عَنْ التَّرْجَمَةِ:
(۱) ظَهَرَتْ يَنْابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ! = چشمه‌ها
(۳) الموعظ العَدَدِيَّة من رسول الله! = مختلف
۱۱۲. ۲. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدِ:
(۱) أمتار: مِتر / حُوب: حَبّ
(۳) حُجرات: حَجْر / برازيل: برزِيل
۱۱۳. ۳. اِنْتخَبَ الْخَطَا عَنِ التَّرَادِفِ وَ التَّنَادُفِ:
(۱) الأوَّل ≠ الآخر / رَقَدَ = نام
(۳) واقِف ≠ جالِس / وَجَعَ = ألم
۱۱۴. ۴. عَيْنَ الصَّحِيحِ لَتَكْمِيلِ الْفَرَاقَاتِ: «من علامات المؤمن: في الخلوة، في القلّة و عند الغضب.»
(۱) الحلم، الصدقة، الورع
(۳) الورع، الصبر، الصّدق
(۲) الصّدق، الصبر، الحلم
(۴) الورع، الصدقة، الحلم
۱۱۵. ۵. عَيْنَ الْخَطَا فِي تَرْجَمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطًّا:
(۱) قام الفائزون بِاسْتِلامِ جوائزِهِمْ! ← دريافت
(۳) ألشجارُ عَلَى الرّصيفِ خَضْرَاءَ جِدًّا! ← پياده رو
۱۱۶. ۶. عَيْنَ فِعْلِ «قَامَ» يَخْتَلِفُ مَعْنَاهُ عَنِ الْبَاقِي:
(۱) قام صديقي بتوزيع الهدايا في مهرجان المدرسة!
(۳) قامت زميلتي للإجابة عن سؤال المُدرّسة!
۱۱۷. ۷. «إِذَا كَانَ إِثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.» هَذِهِ الْعِبَارَةُ تَمْنَعُنَا عَنِ!
(۱) الغيبة
(۲) استِراق السَّمعِ
(۳) إظهار السرّ عند الآخرين
(۴) التَّدخُّلُ فِي أُمُورِ النَّاسِ
۱۱۸. ۸. عَيْنَ الْخَطَا عَنِ مَفْهُومِ عِبَارَةِ «تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!»
(۱) از آن روزی تفکر کن که ايزد / به حق باشد میان خلق داور
(۲) تفکر کن تو در خلق سماوات / که تا ممدوح حق گردی در آیات
(۳) تفکر کن که آخر از کجایی / در این نیلی قفس بهر چرایي
(۴) نخست از فکر خویشم در تحيّر / چه چیز است آنکه گویندش تفکّر
۱۱۹. ۹. عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «و اعلموا أن الله يعلم ما في أنفسكم»
(۱) إن الله يرى ما تعمل في هذه الدنيا!
(۳) إن الله يعلم و أنتم لا تعلمون!
(۲) لا يعلم ما في القلوب إلا خالقها!
(۴) المؤمن يعرف ما يخلق الله له!
۱۲۰. ۱۰. «إِنَّ الظُّلْمَ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ فَهُوَ ظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا!» عَيْنَ الْإِتْسَابِ فِي الْمَفْهُومِ:
(۱) خرم آن کس که در این محنت گاه / خاطری را سبب تسکین است
(۲) خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است
(۳) جفاپیشگان را بده سر به باد / ستم بر ستم پیشه عدل است و داد
(۴) عبادت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلّی نیست

١٢١. ١. «في الصَّيفِ يُسَافِرُ بَعْضُ الْمُواطِنِينَ إِلَى الْقَرْيَةِ لِلاتِّفَاعِ بِهَيْدُوءٍ أَكْثَرَ». عَيِّنْ سُؤَالًا لَيْسَ لَهُ جَوَابٌ فِي الْعِبَارَةِ:
 (١) بِمَ يُسَافِرُ الْمُواطِنُونَ؟
 (٢) إِلَى أَيْنَ يُسَافِرُ بَعْضُ الْمُواطِنِينَ؟
 (٣) مَن يُسَافِرُ إِلَى الْقَرْيَةِ؟
 (٤) لِمَاذَا يَقُومُ الْمُواطِنُونَ بِالسَّفَرِ؟
١٢٢. ٢. «أَنْزَلَ اللَّهُ جُزْءًا وَاحِدًا مِنْ رَحْمَتِهِ وَ..... عِنْدَهُ تِسْعَةٌ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنْهَا.» عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ:
 (١) أَخَذَ (٢) أَجْرَى (٣) لَبِثَ (٤) أَمْسَكَ
١٢٣. ٣. عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:
 (١) فَصَلَ الْخَرِيفُ يَأْتِي بَعْدَ الشِّتَاءِ!
 (٢) إِذَا اثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَعَلَيْنَا أَنْ نَدْخُلَ بَيْنَهُمَا!
 (٣) جَائِزَةُ الْفَائِزِ الْأَوَّلِ فِي الْمَسَابِقَاتِ فَضَّةٌ وَ الثَّانِي ذَهَبٌ!
 (٤) الْيَوْمُ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأَسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ!
١٢٤. ٤. عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: «تِسْعٌ وَ سِتُّونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي»
 (١) سَبْعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ (٢) أَرْبَعَةٌ وَ ثَمَانِينَ (٣) أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسِينَ (٤) خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعِينَ
١٢٥. ٥. عَيِّنِ جَوَابًا كَلِمَاتُهَا لَا تَنَاسِبُ مَعًا:
 (١) الْوَرَعُ - التَّقْوَى - الطَّاعَةُ
 (٢) الصَّبْرُ - الْجُلْمُ - الْهَيْدُوءُ
 (٣) الْفَائِزُ - الذَّهَبُ - الْفِضَّةُ
 (٤) الْفَقْرُ - الْمَعْصِيَةُ - الْخَفْرُ
١٢٦. ٦. عَيِّنِ الصَّحِيحَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ:
 (١) «أَوْلَيْكَ» إِسْمٌ الْإِشَارَةِ إِلَى الْجَمَاعَةِ الْقَرِيبَةِ مِنَّا!
 (٢) الْيَوْمُ الثَّانِي فِي الْأَسْبُوعِ هُوَ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ وَ الرَّبِيعُ بِدَايَةِ فُصُولِ السَّنَةِ!
 (٣) قَاطِعُ الرَّحِمِ هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ لِمَازِلِ زِيَارَةِ أَقْرَبَائِهِ!
 (٤) هُنَاكَ ظُلْمَةٌ شَدِيدَةٌ فِي الْعُرْفَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ هُنَاكَ مِصْبَاحٌ!
١٢٧. ٧. عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي يُوجَدُ فِيهَا مَعْنَى التَّعَجُّبِ:
 (١) أَمْسَكَ اللَّهُ عِنْدَهُ تِسْعَةٌ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ!
 (٢) أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَغْفِرُ الشَّرْكَ لِأَنَّهُ ظَلَمٌ عَظِيمٌ!
 (٣) قَالَ سَانِحٌ: مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ إِيرَانَ وَ أَشْجَارَهَا الْخَضْرَاءَ!
 (٤) لَا يَأْخُذُ الْفَائِزُ الثَّانِي جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً فِي الْمُبَارَاةِ!
١٢٨. ٨. عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ حَسَبَ مَفْهُومِ الْآيَةِ: «ظَهَرَ الْقَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»
 (١) «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»
 (٢) «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»
 (٣) إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ!
 (٤) إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا...!
١٢٩. ٩. «فِي لِسَانِي وَ لَا أَقْدِرُ عَلَى التَّكَلُّمِ جَيِّدًا.» عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.
 (١) فَجْأَةً (٢) شَفَاوَةً (٣) شَرَّةً (٤) عُقْدَةً
١٣٠. ١٠. «مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ فِي الْخُلُوعِ وَ عِنْدَ الْخَوْفِ!» عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:
 (١) الصِّدْقُ - الْغَضَبُ (٢) الْوَرَعُ - الصِّدْقُ (٣) الْوَرَعُ - الصَّبْرُ (٤) الصَّبْرُ - الْغَضَبُ

قواعد

صفحة ٩ تا ٢٠ عربي ١

بيمانه ١١

٢٠
تست

١٣١. ١. عَيِّنِ الْعِدَّةَ لَا يَنَاسِبُ لِلْفَرَاغِ:
 (١) لِكُلِّ فَصْلٍ شَهْرًا: ثَلَاثَةٌ
 (٢) لِكُلِّ أَسْبُوعٍ أَيَّامًا: سَبْعَةٌ
 (٣) لِكُلِّ أَسْبُوعٍ أَيَّامًا: سَبْعَةٌ
١٣٢. ٢. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ:
 (١) عِشْرُونَ فِي اثْنَيْنِ يُسَاوِي اثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ!
 (٢) خَمْسَةٌ زَائِدٌ سِتَّةً يُسَاوِي أَحَدًا عَشْرًا!
 (٣) مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى عِشْرِينَ يُسَاوِي عِشْرَةً!
 (٤) أَرْبَعُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي سَبْعِينَ!

- (۱) و قال الله لا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ إِثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ!
- (۲) فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ!
- (۳) فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ!
- (۴) ظَنَنْتُ أَنْكَ لَا تَكْتُمُ الْحَقَّ لَأَتَىٰ حَسْبُكَ صَدِيقًا صَادِقًا!

- (۱) «الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا رُبْعًا»: ۱۲:۴۵
- (۲) «الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا رُبْعًا»: ۱۰:۴۵
- (۳) «السَّادِسَةَ وَ الرَّبْعَ»: ۷:۱۵
- (۴) «السَّابِعَةَ وَ النِّصْفَ»: ۹: ۳۰

- (۱) أَحَدَ عَشَرَ
- (۲) الْحَادِي عَشَرَ
- (۳) أَحَدًا وَ عَشَرَ
- (۴) الْحَادِي وَ عَشَرَ

- (۱) تِسْعُونَ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي سِتِّينَ! ناقصٌ
- (۲) إِثْنَانِ فِي أَحَدِ عَشَرَ يُسَاوِي! واحداً و عشرينَ
- (۳) أَرْبَعُونَ أَرْبَعَةَ يُسَاوِي عَشْرَةَ! تقسيمٌ عَلَى
- (۴) ثَمَانِيَّةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ إِثْنَيْنِ يُسَاوِي! ثَمَانِينَ

- (۱) خَمْسَةٌ فِي عَشْرَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةَ عَشْرٍ.
- (۲) تِسْعُونَ ناقصٌ عَشْرَةَ يُسَاوِي تِسْعَةَ عَشْرٍ.
- (۳) سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

- (۱) راجعت المكتبة خمس مرات لأخذ كتاباً خاصاً،
- (۲) و أخيراً جئت بالكتاب إلى البيت في المرة السادسة،
- (۳) فبدأت بقرائه مرتين ولكنني ما فهمته حتى في المرة الثانية،
- (۴) و بعد أن تأملت فيه كثيراً و في المرحلة العاشرة، فهمته جيداً!

- «لي خمسة ... علمية»
- (۱) مَجَلَّتَيْنِ
 - (۲) كِتَابٍ
 - (۳) كِتَابَيْنِ
 - (۴) مَجَلَّتَانِ

- (۱) واحد
- (۲) ثلاثة
- (۳) إثنانِ
- (۴) أربعة

- (۱) ثلاثة أسابيع / ستة أيام / الطالبة الثالثة
- (۲) أربعة أيام / ثلاثة ليالٍ / الطالب الأربع
- (۳) سادسة أيام / خامسة ليالٍ / الطالبة الأربعة
- (۴) أسبوعين إثنين / ثلاثة أيام / الطالبين الاثنين

- (۱) أربعة و ثمانون زائد خمسة عشر يساوي سبعة و تسعين!
- (۲) سبعة و خمسون تقسيم على ثلاثة يساوي تسعة عشر!
- (۳) مئة ناقص خمسة و سبعين يساوي خمسة و خمسين!
- (۴) خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين يساوي تسعين!

- (۱) شاهدت نتائج إمتحانات الصف الثالث!
- (۲) في مكتبتنا مجموعة شعرية لحادي عشر شاعراً!
- (۳) لأول مرة اشتركتنا في المسابقات العالمية!
- (۴) مر تسعة أشخاص من ممر المشاة!

- (۱) عشرة في ثلاثة يساوي ثلاثين.
- (۲) أربعون ناقص عشرة يساوي ثلاثين.
- (۳) عشرون زائد عشرة يساوي ثلاثين.
- (۴) ستون تقسيم على اثنين يساوي ثلاثين.

- (۱) الأحد هو اليوم الأول من الأسبوع.
- (۲) الإثنين هو اليوم الثاني من الأسبوع.
- (۳) الثلاثاء هو اليوم الثالث من الأسبوع.
- (۴) الأربعاء هو اليوم الخامس من الأسبوع.

۱۴۶. ۱۶. عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ سُورَةٌ!»

- (۱) الرَّابِعَةَ عَشَرَ وَ مِئَةً (۲) مِئَةً وَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ (۳) مِئَةً وَ الرَّابِعَةَ عَشَرَ (۴) أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَ مِئَةً

۱۴۷. ۱۷. مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاغِ؟ «عَمْرٌ جَدَّتِي (۷۸) ... عَامًا!»

- (۱) ثَمَانِيَةً وَ سَبْعُونَ (۲) سَبْعُونَ وَ ثَمَانِيَةً (۳) ثَمَانِيَةً وَ سَبْعُونَ (۴) سَبْعُونَ وَ ثَمَانِيَةً

۱۴۸. ۱۸. «فِي كِتَابِ الْكِيمِيَاءِ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ دَرَسَاتٍ، لِكُلِّ دَرَسٍ أَرْبَعُ صَفَحَاتٍ»؛ كَمْ صَفْحَةً فِي كِتَابِ الْكِيمِيَاءِ؟

- (۱) أَرْبَعُونَ وَ اِثْنَتَانِ صَفْحَةً (۲) اِثْنَتَانِ وَ خَمْسُونَ صَفْحَةً (۳) خَمْسُونَ وَ اِثْنَتَانِ صَفْحَةً (۴) اِثْنَتَانِ وَ أَرْبَعُونَ صَفْحَةً

۱۴۹. ۱۹. عَيْنَ الْعَدَدِ التَّرْتِيبِيِّ:

- (۱) حَضَرَ جَمِيعَ التَّلَامِيذِ فِي صَفَّيْنِ اِثْنَيْنِ فِي الصَّبَاحِ! (۲) رَسَمْتُ عَلَى اللُّوْحِ صُورًا مِنْ أَرْبَعِ عَشْرَةَ مَدِينَةً! (۳) مَا رَأَيْتُ عِنْدَ اللَّعْبِ إِلَّا امْرَأَةً وَاحِدَةً! (۴) رَكِبْتُ تَلَامِيذَنَا الْحَافِلَةَ الْأُولَى يَوْمَ الْأَمْسِ!

۱۵۰. ۲۰. عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:

- (۱) مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ! (۲) خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً! (۳) عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ! (۴) عَشْرُونَ فِي اِثْنَيْنِ يُسَاوِي اِثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

ترجمه

صفحه ۱۱ تا ۲۰ عربی ۱

بیمانه ۱۳
تست ۱۰

بیمانه ۱۲
تست ۱۰

بیمانه‌های ۱۲ و ۱۳

■ عَيْنَ الْأَصْحَاحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱۵۱. ۱. «جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ أَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةٌ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَ أَنْزَلَ تَرَاحِمَ الْخَلْقِ إِلَى الْأَرْضِ.»

- (۱) خداوند برای رحمت صد جزء قرار داد نود و نه جز را نزد خود نگه می‌دارد و مهربانی با مردم را به سوی زمین می‌فرستد.
(۲) خداوند رحمت را هزار جزء قرار داد شصت و شش جزء را نزد خود نگه داشت و مهربانی با مردم را به سوی زمین فرستاد.
(۳) خداوند رحمت را صد جزء قرار داد نود و نه جزء را نزد خود نگه داشت و مهربانی با مردم را به سوی زمین فرستاد.
(۴) خداوند رحمت را هزار جزء قرار می‌دهد نود و نه جزء را نزد خود نگه داشت و مهربانی را به سوی زمین فرستاد.

۱۵۲. ۲. «كَمْ مَرَّةً وَ مَتَى قُمْتَ بِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا ثَامِنِ أَنْمَتْنَا؟ مَرَّتَيْنِ: الْأُولَى قَبْلَ سَنَتَيْنِ وَ بَعْدَ فَوْزِي فِي الْإِمْتِحَانَاتِ الدِّرَاسِيَّةِ وَ الثَّانِيَةَ فِي صَيْفِ هَذَا الْعَامِ!»:

(آزمون کانون، ۵ آذر ۹۷)

(۱) چند بار و کی به زیارت کردن امام رضا هشتمین از امامان ما اقدام کردی؟ دو بار: اول دو سال پیش و پس از موفقیت در امتحانات درسی و دوم در تابستان امسال!

(۲) کی و چند مرتبه به زیارت امام رضا هشتم پرداختی؟ دو بار: نخست پس از قبول شدن در امتحان در سال قبل و دوم در تابستان همان سال!

(۳) چند بار و چه وقت به زیارت هشتمین امام، امام رضا (ع) رفتی؟ دو مرتبه: مرتبه اول یک سال پیش پس از قبولی در امتحانات و دوم در تابستان امسال!

(۴) چه وقت و چند مرتبه به زیارت هشتمین امام، یعنی امام رضا (ع) اقدام می‌نمایی؟ دو مرتبه: دفعه اول دو سال پیش از موفقیت در امتحانات درسی و دوم تابستان همین سال!

۱۵۳. ۳. «أَتَى جَدِّي بِهَدَايَا وَ قَامَ بِتَوْزِيْعِهَا عَلَى الْبَنِيْنَ وَ الْبَنَاتِ فِي الْخَفْلَةِ!»:

(آزمون کانون، ۳ آذر ۹۶)

(۱) بابابزرگ آمد و در جشن میان پسران و دختران هدایایی بخش کرد!

(۲) هدیه‌های پدربزرگ من رسید و در جشن میان پسران و دختران تقسیم شد!

(۳) پدربزرگی هدیه آورد و به توزیع آن بین پسر و دخترها در مهمانی اقدام کرد!

(۴) پدربزرگم هدیه‌هایی آورد و در جشن به بخش آن‌ها میان پسران و دختران پرداخت!

۱۵۴. ۴. «أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جُوبِبَارِ فِي مَحَافِظَةِ مازندران؛ مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتِهَا!»:

(آزمون کانون، ۳ آذر ۹۶)

(۱) من اهل شهر جوپیبار در استان مازندران هستم؛ مازندران و طبیعت جنگل‌هایش چندان زیبا نیست!

(۲) من از شهر جوپیبار در استان مازندران هستم؛ جنگل‌های مازندران و طبیعتش چه زیباست!

(۳) من از شهر جوپیبار در منطقه‌ی محافظت‌شده‌ی مازندران هستم؛ طبیعت جنگل‌های مازندران چه زیباست!

(۴) من اهل جوپیبار از منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی مازندران هستم؛ جنگل‌های آن و طبیعت‌هایش واقعاً زیباست!

۱۵۵. ۵. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(آزمون کانون، ۲۱ آبان ۹۵)

(۱) «حِينَ يَجِيءُ أَسْتَاذُنَا وَ يَدْخُلُ الصَّفَّ نَقُومُ بِاحْتِرَامِهِ.»: هَنَّا مِمَّا دَاخِلَ شَدْنِ اسْتَاذِمَانِ دَرِ كَلَّاسِ، بَهْ اِحْتِرَامِ اَوْ بَلَنْدِ شَدِيمِ.

(۲) «جَاءَ النَّبِيُّ (ص) بِدِينِ الْإِسْلَامِ وَ أَخْرَجَ الْكُفْرَانَ مِنَ الصَّلَاةِ.»: بِبَا مَبْرِ اَكْرَمِ (ص) دِينِ اِسْلَامِ رَا اَوْرَدَ تَا كَافْرَانِ رَا اَزْ كَمْرَاهِي بَرِهَانْدِ.

(۳) «قَامَ أَخِي بِحَمْلِ مَحْفَظَتِي الثَّقِيلَةِ إِلَى قُرْبِ الْحَافِلَةِ.»: بَرَادَرْمِ كَيْفِ مَرَا بَرَايْمِ تَا نَزْدِيكَ اَنْ مَاشِيْنَ حَمْلِ كَرْدِ.

(۴) «أَتَى الْخَرِيفِ وَ أَتَى بِرِيَاخِهِ الشَّدِيدَةِ وَ امْطَارِهِ الْكَثِيرَةِ.»: پَايِيْزِ اَمْدِ وَ بَادَهَايِ تَنْدَشِ وَ بَارَانْ هَايِ فِرَاوَانَشِ رَا اَوْرَدِ.

۱۵۶. ۶. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- هل تعرفين حيواناً يقدرُ على سماع صوت الساعة من مسافة أربعين قدماً؟ آیا حیوانی را می‌شناسید که قادر به شنیدن صدای ساعت از مسافت چهل قدمی باشد؟
- جاء الأقرباء إلى بيتنا يوم الخميس و جاءت والدتي المضيافة بالطعام لضيوفنا الاعزاء! خویشاوندان روز پنج‌شنبه به خانه‌ی ما آمدند و مادر مهمان‌نوازم با غذا به سمت مهمانان عزیزمان آمد!
- الاستاذ دخل في الصف فقام الطلاب احتراماً له و هو قام بتعليمهم بجدًا! استاد به کلاس داخل شد و دانش‌آموزان به خاطر احترام به او برخاستند و او با تلاش به آموزش آنان پرداخت!
- ما أجمل غابات مازندران و طبيعتها و أنا سافرت هناك للمرة الأولى! جنگل‌های مازندران و طبیعت آن زیباست و من یک بار به آن‌جا مسافرت کردم!

۱۵۷. ۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- قامت المعلمة بتوزيع الهدايا بين التلميذات الذكيات! معلّم برای پخش هدایا میان دانش‌آموزان باهوش برخاست!
- أعجز النَّاس من عجز عن اكتساب الإخوان! ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز است!
- التملة تقدر على حمل شيءٍ فوق وزنها خمسين مرة! مورچه توانست چیزی را که وزنش پنجاه برابر بود، حمل کند!
- و ما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم يظلمون: و به ما ظلم نمی‌کنند، بلکه به خودشان ظلم می‌کنند.

۱۵۸. ۸. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- إن العلماء المسلمين كانوا ينابيع العلم للجميع! دانشمندان مسلمان چشمه‌های همیشگی علم هستند!
- فاز تلميذان إثنان من بين ستة طلاب في مسابقة حفظ القرآن! از میان شش دانش‌آموز شرکت‌کننده در مسابقه‌ی حفظ قرآن دومین نفر برنده شد!
- دُعيت للحضور في حفلة عظيمة ستتعقد في مدرستنا بعد ثلاثة أيام! برای حضور در جشن بزرگی که سه روز دیگر در مدرسه‌مان برگزار خواهد شد دعوت شدم!
- كان تسعة طلاب ينتظرون في الساعة الثامنة صباحاً زيارة أحد أصدقائي! هفت دانش‌آموز در ساعت هشت صبح منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند!

۱۵۹. ۹. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- سافرتُ أتي إلى القرية للمرة الثانية لآنها بحاجة إلى الهدوء: مادرم برای دومین بار به روستا مسافرت کرد زیرا او به آرامش نیاز داشت.
- قد شاهدتُ حتى الآن ثمانی عشرة مدينة و ثلاث و سبعين قرية: تاکنون ۱۸ شهر و ۳۷ روستا را دیده‌ام.
- هل سمعتُ أنه عاش ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً: آیا شنیده‌ای که او هزار و پنجاه سال زندگی کرد؟
- عليكم بالجماعة لأن البركة مع الجماعة: همراه با جماعت باشید که برکت با جمع بودن است.

۱۶۰. ۱۰. «أخبرنا موطئاً بما وقع في قاعة المطار فأسرعنا نحو المطار جميعاً!»:

- به کارمندی از آن‌چه در سالن فرودگاه رخ داد، خبر دادیم، پس همه به سوی فرودگاه شتافتیم!
- کارمندی ما را از آن‌چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر ساخت، پس همگی به سوی فرودگاه شتافتیم!
- به کارمند از آن‌چه در فرودگاه رخ داد، خبر دادیم و همگی به سوی سالن فرودگاه شتابان رفتیم!
- یکی از کارمندان ما را از آن‌چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر کرد، پس همه به سمت فرودگاه شتافتیم!

پیمانه ۱۳

۱۶۱. ۱. «مسؤولو مدينتنا يشكرون جمعاً قليلاً من المواطنين لإهتمامهم بالمرافق العامة!»:

- مسؤولان شهرستان از جمع اندکی از هم‌وطنان به‌خاطر توجهشان به تأسیسات عمومی تشکر می‌کردند!
- یکی از مسؤولان شهرستان از جمعی از هم‌وطنان به دلیل اهتمام به تأسیسات همگانی سپاسگزاری می‌کند!
- مسؤولین شهر از جمع قلیلی از هم‌شهری‌هایمان به‌خاطر اهتمام به تأسیسات همگانی سپاسگزاری می‌کنند!
- مسؤولین شهرستان از جمع اندکی از هم‌وطنان به دلیل توجهشان به تأسیسات عمومی تشکر می‌کنند!

۱۶۲. ۲. «المؤمنات يخلصن لربهن أربعين صباحاً فتظهر ينابيع الحكمة من قلوبهن على لسانهن!»:

- زنان مؤمن، چهل صبح را برای پروردگارشان اخلاص می‌ورزند، بنابراین چشمه‌های حکمت‌ها از قلبشان بر زبانشان پدیدار می‌گردد!
- زنان مؤمن، برای خداوند چهل روز را اخلاص می‌ورزند، پس چشمه‌های حکمت و دانش از قلبشان بر زبانشان جاری می‌گردد!
- مؤمنان، برای پروردگار خود، چهل‌مین صبح را اخلاص ورزیدند، بنابراین چشمه حکمت‌ها از قلب بر زبانشان ظاهر گردید!
- مؤمنان، چهل صبح به خاطر پروردگارشان اخلاص می‌ورزند، پس سرچشمه حکمت از دلشان بر زبان آن‌ها پدیدار می‌گردد!

۱۶۳. ۳. «قرأت مرتين خمس صفحات من الكتاب الرابع!»:

- پنج صفحه از کتاب چهارم را دو بار خواندم!
- پنجمین صفحه از چهارمین کتاب را دو بار مطالعه کردم!
- پنج صفحه از چهارمین کتاب را بار دوم خواندم!
- صفحه پنجم از کتاب چهارم را دو بار خواندم!

(آزمون کانون، ۵ آذر ۹۵)

- هل تعرفين حيواناً يقدرُ على سماع صوت الساعة من مسافة أربعين قدماً؟ آیا حیوانی را می‌شناسید که قادر به شنیدن صدای ساعت از مسافت چهل قدمی باشد؟
- جاء الأقرباء إلى بيتنا يوم الخميس و جاءت والدتي المضيافة بالطعام لضيوفنا الاعزاء! خویشاوندان روز پنج‌شنبه به خانه‌ی ما آمدند و مادر مهمان‌نوازم با غذا به سمت مهمانان عزیزمان آمد!
- الاستاذ دخل في الصف فقام الطلاب احتراماً له و هو قام بتعليمهم بجدًا! استاد به کلاس داخل شد و دانش‌آموزان به خاطر احترام به او برخاستند و او با تلاش به آموزش آنان پرداخت!
- ما أجمل غابات مازندران و طبيعتها و أنا سافرت هناك للمرة الأولى! جنگل‌های مازندران و طبیعت آن زیباست و من یک بار به آن‌جا مسافرت کردم!

(آزمون کانون، ۱۹ آذر ۹۵)

- قامت المعلمة بتوزيع الهدايا بين التلميذات الذكيات! معلّم برای پخش هدایا میان دانش‌آموزان باهوش برخاست!
- أعجز النَّاس من عجز عن اكتساب الإخوان! ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز است!
- التملة تقدر على حمل شيءٍ فوق وزنها خمسين مرة! مورچه توانست چیزی را که وزنش پنجاه برابر بود، حمل کند!
- و ما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم يظلمون: و به ما ظلم نمی‌کنند، بلکه به خودشان ظلم می‌کنند.

(آزمون کانون، ۳ آذر ۹۶)

- إن العلماء المسلمين كانوا ينابيع العلم للجميع! دانشمندان مسلمان چشمه‌های همیشگی علم هستند!
- فاز تلميذان إثنان من بين ستة طلاب في مسابقة حفظ القرآن! از میان شش دانش‌آموز شرکت‌کننده در مسابقه‌ی حفظ قرآن دومین نفر برنده شد!
- دُعيت للحضور في حفلة عظيمة ستتعقد في مدرستنا بعد ثلاثة أيام! برای حضور در جشن بزرگی که سه روز دیگر در مدرسه‌مان برگزار خواهد شد دعوت شدم!
- كان تسعة طلاب ينتظرون في الساعة الثامنة صباحاً زيارة أحد أصدقائي! هفت دانش‌آموز در ساعت هشت صبح منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند!

۱۵۹. ۹. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- سافرتُ أتي إلى القرية للمرة الثانية لآنها بحاجة إلى الهدوء: مادرم برای دومین بار به روستا مسافرت کرد زیرا او به آرامش نیاز داشت.
- قد شاهدتُ حتى الآن ثمانی عشرة مدينة و ثلاث و سبعين قرية: تاکنون ۱۸ شهر و ۳۷ روستا را دیده‌ام.
- هل سمعتُ أنه عاش ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً: آیا شنیده‌ای که او هزار و پنجاه سال زندگی کرد؟
- عليكم بالجماعة لأن البركة مع الجماعة: همراه با جماعت باشید که برکت با جمع بودن است.

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۱۶۰. ۱۰. «أخبرنا موطئاً بما وقع في قاعة المطار فأسرعنا نحو المطار جميعاً!»:

- به کارمندی از آن‌چه در سالن فرودگاه رخ داد، خبر دادیم، پس همه به سوی فرودگاه شتافتیم!
- کارمندی ما را از آن‌چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر ساخت، پس همگی به سوی فرودگاه شتافتیم!
- به کارمند از آن‌چه در فرودگاه رخ داد، خبر دادیم و همگی به سوی سالن فرودگاه شتابان رفتیم!
- یکی از کارمندان ما را از آن‌چه در سالن فرودگاه اتفاق افتاد، باخبر کرد، پس همه به سمت فرودگاه شتافتیم!

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۱۶۱. ۱. «مسؤولو مدينتنا يشكرون جمعاً قليلاً من المواطنين لإهتمامهم بالمرافق العامة!»:

- مسؤولان شهرستان از جمع اندکی از هم‌وطنان به‌خاطر توجهشان به تأسیسات عمومی تشکر می‌کردند!
- یکی از مسؤولان شهرستان از جمعی از هم‌وطنان به دلیل اهتمام به تأسیسات همگانی سپاسگزاری می‌کند!
- مسؤولین شهر از جمع قلیلی از هم‌شهری‌هایمان به‌خاطر اهتمام به تأسیسات همگانی سپاسگزاری می‌کنند!
- مسؤولین شهرستان از جمع اندکی از هم‌وطنان به دلیل توجهشان به تأسیسات عمومی تشکر می‌کنند!

(آزمون کانون، ۴ آبان ۹۷)

۱۶۲. ۲. «المؤمنات يخلصن لربهن أربعين صباحاً فتظهر ينابيع الحكمة من قلوبهن على لسانهن!»:

- زنان مؤمن، چهل صبح را برای پروردگارشان اخلاص می‌ورزند، بنابراین چشمه‌های حکمت‌ها از قلبشان بر زبانشان پدیدار می‌گردد!
- زنان مؤمن، برای خداوند چهل روز را اخلاص می‌ورزند، پس چشمه‌های حکمت و دانش از قلبشان بر زبانشان جاری می‌گردد!
- مؤمنان، برای پروردگار خود، چهل‌مین صبح را اخلاص ورزیدند، بنابراین چشمه حکمت‌ها از قلب بر زبانشان ظاهر گردید!
- مؤمنان، چهل صبح به خاطر پروردگارشان اخلاص می‌ورزند، پس سرچشمه حکمت از دلشان بر زبان آن‌ها پدیدار می‌گردد!

(آزمون کانون، ۴ آبان ۹۷)

۱۶۳. ۳. «قرأت مرتين خمس صفحات من الكتاب الرابع!»:

- پنج صفحه از کتاب چهارم را دو بار خواندم!
- پنجمین صفحه از چهارمین کتاب را دو بار مطالعه کردم!
- پنج صفحه از چهارمین کتاب را بار دوم خواندم!
- صفحه پنجم از کتاب چهارم را دو بار خواندم!

۱۶۴. ۴. «كَتَبْنَا الدَّرْسَ الْخَامِسَ فِي الْحِصَّةِ الْخَامِسَةِ!»:

- (۱) پنج درس را در زنگ پنجم نوشتیم.
- (۲) درس پنجم را در پنج زنگ نوشتیم.
- (۳) درس پنجم را در زنگ پنجم نوشتیم!
- (۴) پنج درس را در پنج زنگ نوشتیم!

(آزمون کانون، ۱۶ آذر ۹۷)

۱۶۵. ۵. «لَا تُتْرَكُ الْحَسَنَاتُ لِأَنَّ جَزَاءَ حَسَنَةٍ وَاحِدَةٍ عَشْرُ أَمْثَالِهَا!»:

- (۱) خوبی‌ها را رها نکن، چرا که ثواب یک خوبی ده‌ها مثل آن است!
- (۲) خوبی‌ها را ترک نمی‌کنی، چون پاداش یک خوبی ده‌ها نظیرش است!
- (۳) نیکی‌ها ترک نمی‌شود، زیرا پاداش یک نیکی ده برابرش است!
- (۴) کارهای نیک را رها نمی‌کنی، چون ثواب یک نیکی ده‌ها برابرش است!

(آزمون کانون، ۱۶ آذر ۹۷)

۱۶۶. ۶. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْضِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»: پروردگارا ...

- (۱) سینهام را برایم بگشا و امور را برایم آسان گردان و گره از زبانم باز کن (تا) سختم فهمیده شود!
- (۲) سینهام را برایم گشودی و کارم را برایم ساده کردی و گره از زبانم باز نمودی (تا) سختم فهمیده شود!
- (۳) سینهای گشاده به من بده و کارم را برایم ساده گردان و گره از زبانم بگشا (تا) سختم را بفهمند!
- (۴) سینهام را برایم بگشا و کارم را برایم آسان گردان و گره از زبانم باز کن (تا) سختم را بفهمند!

۱۶۷. ۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) كانت صديقتي تعيش في الزقاق الخامس من هذا الشارع! دوستم در کوچه پنجم این خیابان زندگی می‌کرد.
- (۲) مئة و عشرون من تلاميذ هذه المدرسة أصبحوا أطباء! بیست درصد از دانش آموزان این مدرسه پزشک شده‌اند.
- (۳) «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ»: می‌گویند: آنان سه نفرند و چهارمین ایشان سگشان بود.
- (۴) ضيوفنا يسكنون في الطابق الثالث من هذا البناء! مهمانان ما در سه طبقه از این ساختمان سکونت دارند.

(آزمون کانون، ۲۰ مهر ۹۷)

۱۶۸. ۸. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) لِمَ يَقُولُ الْإِنْسَانُ مَا يُسَبِّبُ التَّدَامَةَ! چرا انسان چیزی را به زبان می‌آورد که او را پشیمان می‌کند!
 - (۲) إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل! هرگاه فرماندهان به فرومایگی رسیدند، شایستگان به هلاکت رسیدند!
 - (۳) اجتنبوا من الكلام الكثير، لأنه لا ينفَعُكم! از سخن فراوان پرهیز نمایید، زیرا که به شما سود نمی‌رساند!
 - (۴) إنَّ العاقلَ لا يَنْظُرُ إِلَى الصَّلَاةِ الْكَثِيرَةِ وَ الصَّوْمِ الطَّوِيلِ! همانا عاقل به بسیاری نماز و طولانی بودن روزه نگاه نمی‌کند!
۱۶۹. ۹. «كَانَ تَلَامِيذُ هَذِهِ الصَّفِّ قَرَأُوا حَتَّى الْيَوْمِ التَّاسِعِ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ ثَلَاثًا وَ سَبْعِينَ صَفْحَةً مِنَ الدَّرْسِ!»: دانش آموزان این کلاس..

- (۱) تا روز هفتم از این ماه هفتاد و سه صفحه از این درس را خوانده بودند!
- (۲) تا روز نهم از این ماه سی و هفت صفحه از درس را خواندند!
- (۳) تا هفت روز از این ماه سی و هفت صفحه از درس را خوانده بودند!
- (۴) تا روز نهم از این ماه هفتاد و سه صفحه از درس را خوانده بودند!

(سراسری تجربی ۸۹)

۱۷۰. ۱۰. «در صفحه‌ی ششم از درس نهم پنج کلمه آمده که دو تای آنها مفهومی ندارند». عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- (۱) جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات كلمتان منها بدون مفهوم!
- (۲) كتبت في الصفحة سادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان إثنان منه غير مفهوم!
- (۳) ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!
- (۴) ورد في ستة صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، إثنان منها غير مفهوم!



پیمانه ۱۴ - آزمون جمع‌بندی پایان درس

صفحة ۱۱ تا ۲۰ عربی ۱

■ عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱۷۱. ۱. «نحن ندعو الله أن يشرح لنا صدرنا و يحل عقدة من لساننا حتى يفقهوا قولنا.»:
- (۱) از خداوند می‌خواهیم که سینها را برایمان بگشاید و گره از زبان‌ها بگشاید تا سخن ما را درک کنند.
 - (۲) خداوند را فرا می‌خوانیم که سینهای ما را برایمان فراخ گرداند و گره را از زبان ما بگشاید تا سخنمان را بفهمند.
 - (۳) خداوند را فرا می‌خوانیم که سینهمان را فراخ گرداند و بندها را از زبانمان باز کند تا سخنان را درک کنند.
 - (۴) از خداوند می‌خواهیم که سینهمان را برایمان بگشاید و گره از زبانمان بگشاید تا سخنانمان را بفهمند.

۱۷۲. ۲. «والدة علي سألته أحد عشر سؤالاً من خمسة الدروس الأولى و علي أجاب.»:

- (۱) پدر علی ۱۱ سؤال از اول درس پنجم از او پرسید و علی جواب داد.
- (۲) پدر و مادر علی از ۵ درس اول کتاب ۲۱ سؤال پرسیدند و علی جواب داد.
- (۳) مادر علی از اول درس پنجم ۱۱ پرسش پرسید و علی پاسخ داد.
- (۴) مادر علی از ۵ درس اول کتاب ۱۱ سؤال از او پرسید و علی پاسخ داد.

- (۱) ستّة تلاميذ كن حاضرون في المدرسة في الساعة صباحاً!
- (۲) سادس طالبات كانوا حاضرات في الساعة صباحاً في المدرسة!
- (۳) كان طلاب سادس حاضرون الساعة السابعة صباحاً في المدرسة!
- (۴) كانت ست تلميذات حاضرات في المدرسة في الساعة السابعة صباحاً!

■ اقرأ النصّ التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

كانَ سِنِمَارُ مَهْنَدِسًا رُومِيًّا. هُوَ قَامَ بِبِنَاءِ قَصْرِ جَمِيلٍ لِأَحَدِ الْمُلُوكِ (نُعمان بن منذر) مُدَّةَ عَشْرِينَ سَنَةً. بَعْدَ تَكْمِيلِ بِنَاءِ الْقَصْرِ، انْعَقَدَتِ حَفْلَةٌ لِإِفْتِتَاحِهِ، فَخَصَرَ الْمَهْنَدِسُ فِيهَا بِإِفْتِتَاحِهَا وَانْتَظَرَ جَائِزَةً كَبِيرَةً لِهَذِهِ الْبِنَايَةِ الْعَظِيمَةِ. وَلَكِنْ تَعَجَّبَ الْحَضَارُ مِمَّا وَقَعَ! أَمَرَ الْمَلِكُ بِرَمْيِ الْمَهْنَدِسِ مِنْ أَعْلَى (فوق) الْقَصْرِ إِلَى اسْفَلِهِ وَهَكَذَا صَارَتْ سَاحَةُ الْقَصْرِ مَلْسُوتَةً بِدَمِهِ فَمَاتَ عَلَى الْفُورِ! فِي سَبَبِ قَتْلِ سِنِمَارٍ رِوَايَتَانِ؛ الْأُولَى: أَنْ لَا يُبْنَى قَصْرًا أَجْمَلُ مِنْهُ أَمْ نَظِيرَهُ لِشَخْصٍ آخَرَ. وَالثَّانِيَةُ: أَنْ تُوجَدَ فِي جِدَارٍ مِنَ الْبِنَاءِ الْأَجْرَةُ الَّتِي أُخِذَ بِسَبَبِ انْهِدَامِ كَلِّهِ وَفَصَدَ الْمَلِكُ اخْتِفَاءَ هَذَا السَّرِّ. فَإِذَا كَانَ جِزَاءَ الْحَسَنَةِ سَيِّئَةً قَالَ الْعَرَبُ: «جِزَاءُ سِنِمَارٍ!»

(آزمون كانون، ۵ آذر ۹۵)

۱۷۴. ۴. عَيِّنِ الْخَطَأَ:

- (۱) النَّاسُ لَا يَتَوَقَّعُ هَذِهِ الْمُعَامَلَةَ مَعَ سِنِمَارٍ!
- (۲) اسْقَطَ سِنِمَارُ الْمَلِكَ مِنْ أَعْلَى الْقَصْرِ!
- (۳) مَنْ أَحْسَنَ إِلَى شَخْصٍ انْتَظَرَ الْإِحْسَانَ!
- (۴) مَا قَامَ الْمَهْنَدِسُ بِعَمَلٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ!

(آزمون كانون، ۵ آذر ۹۵)

۱۷۵. ۵. عَلَيَّ حَسَبِ الرِّوَايَةِ الثَّانِيَةِ...

- (۱) يَعْلَمُ سِنِمَارٌ وَالْمَلِكُ السَّرَّ فَقَطًا!
- (۲) مَا بَنَى الْمَهْنَدِسُ الْقَصْرَ بَدَقَّةً!
- (۳) الْمَلِكُ مَا كَانَ عَالِمًا بِوُجُودِ أَجْرَةٍ خَاصَّةٍ فِي الْبِنَاءِ!
- (۴) فَصَدَ سِنِمَارٌ انْهِدَامَ الْقَصْرِ!

(آزمون كانون، ۵ آذر ۹۵)

۱۷۶. ۶. «جِزَاءُ سِنِمَارٍ» مَثَلٌ لِمَنْ.....

- (۱) يُقَابِلُ الْإِحْسَانَ بِالْإِسَاءَةِ!
- (۲) يُقَابِلُ الشَّرَّ بِالْخَيْرِ!
- (۳) يَخْدِمُ الْمُلُوكَ الظَّالِمِينَ!
- (۴) يَكُونُ عِنْدَهُ سَرًّا!

■ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

۱۷۷. ۷. أَيُّ عِبَارَةٍ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ؟

- (۱) ثَمَانُونَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ يُسَاوِي ثَمَانِيَةَ آلَافٍ.
- (۲) عَشْرُ سَاعَاتٍ فِي أَرْبَعِ يُسَاوِي أَرْبَعِينَ سَاعَةً.
- (۳) الْعُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً زَائِدَ عَشْرَةٍ تَقْرِيْبًا يُسَاوِي أَرْبَعِينَ سَنَةً.
- (۴) لَبِثَ فِيهِمْ مِئَةٌ سَنَةً إِلَّا سَبْعَةً عَامًا يُسَاوِي ثَلَاثَةَ وَتِسْعِينَ.

۱۷۸. ۸. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِيْنَ: «ثَمَانِيَةَ عَشْرَةٍ مَجَلَّةٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي»

- (۱) زَائِدٌ - سَبْعِينَ
- (۲) فِي - سِتٍّ وَ أَرْبَعِينَ
- (۳) تَقْسِيمٌ - سِتٍّ عَشْرَةَ
- (۴) نَاقِصٌ - أَرْبَعِ عَشْرَةَ

۱۷۹. ۹. عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:

- (۱) عَشْرَةٌ فِي سِتَّةٍ يُسَاوِي سِتَّةَ عَشْرٍ.
- (۲) عَشْرُونَ نَاقِصٌ إِحْدَى عَشْرَةَ يُسَاوِي سَبْعَةَ.
- (۳) اِثْنَانٌ وَ تِسْعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي سِتَّةً وَ أَرْبَعِينَ.
- (۴) خَمْسَةٌ وَ خَمْسُونَ زَائِدٌ أَرْبَعَةَ وَ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

۱۸۰. ۱۰. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ حَذَفَ الْعَدَدُ مَسْمُوحٌ؟

- (۱) قَمْرَانِ اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ.
- (۲) تِتَارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي أَرْبَعِ حُجْرَاتٍ مَقْطُوعَةٍ.
- (۳) الْفَصْلُ الثَّانِي فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الصَّيْفِ.
- (۴) السَّاعَةُ الْآنَ هِيَ الْوَاحِدَةُ تَمَامًا.

(آزمون کانون، ١٩ آذر ٩٥)

١٨١. ١. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمَعَانِي لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ:

- (١) «نَمَتَ»: نم کشید - مرطوب شد
(٣) «أَجْرَ»: جاری کرد
(٢) «عُدَّوَانُ»: دشمنان
(٤) «يَنْبُوعٌ»: چشمه

(آزمون کانون، ١٧ آذر ٩٦)

١٨٢. ٢. عَيِّنِ الخَطَأَ لِلْفَرَاغِ:

- (١) يا رجل، إعمل لـ... كأنك تعيش أبداً! (دُنْيَاك)
(٢) عندما... الإعصار سرعته، تتساقط الأسماك على الأرض! (يَفْقِدُ)
(٣) ... من الملابس الرجالية ذات الألوان المختلفة! (الفُسْتَان)
(٤) اثنا عشر... ثلاثة يساوي ستة و ثلاثين! (فِي)

(آزمون کانون، ١٧ آذر ٩٦)

١٨٣. ٣. عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

- (١) «إِنْفَتَحْنَا»: باز شد
(٣) «كَانَ يَحْتَرِقُ»: آتش گرفت
(٢) «تَتَعَرَّقِينَ»: می شناسی
(٤) «إِبْتَسَمَ»: لبخند زد

(آزمون کانون، ١ دی ٩٦)

١٨٤. ٤. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: «سَتَلِمُ الْمَقَالَاتِ الْعِلْمِيَّةَ الْإِنْتَرْنِتِ!»

- (١) فِلِمٌ
(٣) فَوْقَ
(٢) عَبْرَ
(٤) حَمَلَ

(آزمون کانون، ١ دی ٩٦)

١٨٥. ٥. عَيِّنِ غَيْرَ الْمُنَاسِبِ فِي مَفْهُومِ عِبَارَةِ «أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ!»:

- (١) تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد
(٢) خموش باش بسیار دیده ام که داد/ زبان سرخ سر سبز را به تیغ کبود
(٣) اللسانُ جِرمه صغيرٌ و جِرمه كبيراً!
(٤) الكلامُ يَجْرُ الكلام!

(آزمون کانون، ٣ دی ٩٥)

١٨٦. ٦. عَيِّنِ الْأَقْرَبَ فِي مَفْهُومِ هَذَا الْحَدِيثِ: «النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاثُوا إِنْتَبَهُوا.»

- (١) الدنيا دارٌ لا تبقى.
(٢) حياة الآخرة هي الحياة الحقيقية.
(٣) «إنما الغيب لله فانتظروا إني معكم من المنتظرين»
(٤) «فاستغفروا لذنوبكم و من يغفر الذنوب إلا الله»

(آزمون کانون، ٤ آبان ٩٧)

١٨٧. ٧. عَيِّنِ الخَطَأَ: (حَسَبَ الْحَقِيقَةِ)

- (١) عندما ننتظرُ هُدوءَ الجوّ نقولُ: لبيت السماءِ تمطرُ علينا أكثر!
(٢) عندما تُدرّس المعلمةُ، تذكرُ أمثلةً للموضوعاتِ المُختلفة!
(٣) عندما تقلّ درجة الجوّ تُشاهد نزلَ الثلوج من السماء!
(٤) عندما تفقدُ الرياحُ سرعتها يشعرُ الإنسانُ بها أقل!

(آزمون کانون، ٤ آبان ٩٧)

١٨٨. ٨. ما هو الخطأ حسب الحقيقة؟

- (١) نزولُ الأمطارِ في فصل الصيفِ في بلادنا إيرانِ كفلمِ خياليّ!
(٢) تساقطُ الأسماكِ من السماءِ ظاهرةٌ تُحيرُ الآخرين!
(٣) يفرحُ أكثرُ النَّاسِ برؤيةِ الأرضِ المُفروشةِ بالثلوجِ عندَ الصّباح!
(٤) لا يحتفلُ الإيرانيونُ باليومِ الآخرِ من أيامِ السنة الشمسية!

- (۱) الشَّرْطِيُّ: مَرَحَباً بِكُمْ، شَرَفْتُمُونَا! / الْمُسَافِرُ الْأَجْنَبِيُّ: اشْكُرْكَ يَا سَيِّدِي!
- (۲) الشَّرْطِيُّ: هَلْ تَعْرِفُ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟ / الْمُسَافِرُ الْأَجْنَبِيُّ: نَعَمْ، إِنِّي أَسْتَطِيعُ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ!
- (۳) الشَّرْطِيُّ: مَا شَاءَ اللَّهُ! لِمَاذَا تَعَلَّمْتَ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟ / الْمُسَافِرُ الْأَجْنَبِيُّ: لِأَنِّي أَحْبَبْتُ الْعَرَبِيَّةَ جَمِيلَةً جَدًّا!
- (۴) الشَّرْطِيُّ: هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتِ الدَّخُولِ؟ / الْمُسَافِرُ الْأَجْنَبِيُّ: كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا جَاهِزٌ!

«دل از بی مرادی به فکرت مسوز / شب آبتن است ای برادر به روز»

- (۱) مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
- (۲) إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
- (۳) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!
- (۴) أَكْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ!

قواعد

صفحة ۲۱ تا ۳۴ عربی ۱

بیمانه ۱۶

۲۰ تست

بیمانه ۱۶

- (۱) الْأَمْرُ مِنَ «تَسْمَعُ»: اسْتَمَعَ
- (۲) النَّهْيُ مِنَ «تَحْتَفِلُ»: مَا احْتَفَلَ
- (۳) الْمَضَارِعُ مِنَ «اسْتَرْجَعْتُ»: اسْتَرْجَعُ
- (۴) الْمَاضِي الْمَنْفِي مِنَ «انْقَطَعَ»: لَا يَنْقَطِعُ

- (۱) انْفَتَحَا
- (۲) تَكَلَّمُوا
- (۳) تَخَرَّجِي
- (۴) تَعَلَّمَا

- (۱) إِنَّ الْقَوَاتِ الْمَسْتَكْبِرَةَ اسْتَعْمَرُوا الذُّوْلَ الضَّعِيفَةَ فِي الْعَالَمِ!
- (۲) قَالَ الْمُدْرَسُ لِلطَّلَابِ: يَا أَعْرَاضِي! انْتَخَبُوا أَهْدَافَكُمْ لِلْمُسْتَقْبَلِ!
- (۳) إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ
- (۴) فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ نَسْتَغْفِرُ اللَّهَ جَمِيعاً وَنَسْأَلُهُ أَنْ يَقْبَلَ تَوْبَتَنَا!

«لَنَا مَدْرَسَةٌ تَعَلَّمْنَا طَرِيقَ الْإِنْتِصَارِ عِنْدَ مَوَاجِهَةِ الْمَشَاكِلِ!»

- (۱) تَفَعَّلَ - انْفَعَلَ
- (۲) تَفَعَّلَ - انْفَعَلَ
- (۳) تَفَعَّلَ - انْفَعَلَ
- (۴) تَفَعَّلَ - انْفَعَلَ

- (۱) اِعْتَذِرِي مِنْ أَمَكِ يَا صَدِيقَتِي!
- (۲) تَعَلَّمُوا مَا تُرِيدُونَ يَا طَالِبِي الْعُلُومِ!
- (۳) اِمْتَلَأِ الْقَدْحُ لِبْنًا لِلْفُطُورِ!
- (۴) اسْتَغْفَرُوا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ يَا أَصْدِقَائِي الْأَعْرَاءُ!

- (۱) أَنْتَ اسْتَرْجَعْتَ.
- (۲) هُمَا تَسْتَرْجِعَانِ.
- (۳) هُوَ مَا اسْتَرْجَعْتَ.
- (۴) نَحْنُ اسْتَرْجَعْنَا.

- (۱) مَفْعَالٌ - اِفْتِعَالٌ - فَاعِلَةٌ - (ف - ت - ح)
- (۲) فِعَالٌ - اِنْفِعَالٌ - فَاعِلَةٌ - (ف - ت - ح)
- (۳) مَفْعَلٌ - اِفْتِعَالٌ - فَاعِلَةٌ - (ت - ح - ف)
- (۴) مَفْعَالٌ - اِنْفِعَالٌ - فَاعِلَةٌ - (ح - ت - ف)

- (۱) الْمَصْدَرُ مِنَ «تَعَلَّمَ»: تَعَلَّمَ
- (۲) النَّفْيُ مِنَ «تَجَالَسُونَ»: لَا تَجَالَسُونَ
- (۳) الْمُسْتَقْبَلُ مِنَ «يَتَشَابَهُ»: سَيَتَشَابَهُ
- (۴) الْأَمْرُ مِنَ «تَسْتَمِعُ»: اسْمَعْ

- (۱) قَطَعَ
- (۲) نَقَطَعَ
- (۳) انْقَطَعَ
- (۴) تَقَطَّعَ

- (۱) مَذْكَرٌ سَالِمٍ، مَوْثٌ سَالِمٍ، مَوْثٌ سَالِمٍ، مَكْسَرٌ
- (۲) مَذْكَرٌ سَالِمٍ، مَكْسَرٌ، مَوْثٌ سَالِمٍ، مَوْثٌ سَالِمٍ
- (۳) مَذْكَرٌ سَالِمٍ، مَكْسَرٌ، مَكْسَرٌ، مَوْثٌ سَالِمٍ
- (۴) مَذْكَرٌ سَالِمٍ، مَكْسَرٌ، مَكْسَرٌ، مَوْثٌ سَالِمٍ

۲۰۱. ۱۱. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعِغِينَ: «هَلْ ... أَنْ ... رَجُلٌ لَا يَصْبِرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ أَبَدًا؟!»
 (۱) تُصَدِّقُ - يُصَدِّقُ
 (۲) تُصَدِّقُ - يَصَدِّقُ
 (۳) يُصَدِّقُ - تُصَدِّقُ
 (۴) يُصَدِّقُ - تَصَدِّقُ
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)
۲۰۲. ۱۲. عَيْنَ الْخَطَأِ عَنِ وَزْنِ مَصْدَرِ الْأَفْعَالِ:
 (۱) اسْتَسْرَرَّ = اسْتَفْعَلَ
 (۲) يَنْتَبِهُونَ = تَفَعَّلَ
 (۳) تَعَجَّبُوا = تَفَعَّلَ
 (۴) يَنْقَلِبُونَ = انْفَعَلَ
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)
۲۰۳. ۱۳. عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي فِيهِ حُرُوفٌ زَائِدَةٌ:
 (۱) لَدَى جِوَالٍ تَفَرَّغَ بِطَارِيئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ الْيَوْمِ!
 (۲) أَتَيْهَا الطَّلَابُ، إِجْمَعُوا كِتَابَكُمْ وَاتْرُكُوا الصَّفَا!
 (۳) الزَّرْفَاءُ تَنَامُ أَقْلَ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ!
 (۴) «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)
۲۰۴. ۱۴. عَيْنَ الْخَطَأِ فِي الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:
 (۱) انْتَحَبْتَنَ: فِعْلٌ مَاضٍ مِنْ بَابِ «افْتَعَلَ»
 (۲) انْتَبَهْتَ: فِعْلٌ مَاضٍ مِنْ بَابِ «انْفَعَلَ»
 (۳) تَسْتَمِعُونَ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ مِنْ بَابِ «افْتَعَلَ»
 (۴) تَخْرُجَنَّ: فِعْلٌ أَمْرٌ مِنْ بَابِ «تَفَعَّلَ»
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)
۲۰۵. ۱۵. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْفَعْلَيْنِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»
 (۱) اقْرَأُوا: الْفِعْلُ الْمَاضِي - لِلْجَمْعِ الْمَذْكَرِ
 (۲) اقْرَأُوا: فِعْلٌ أَمْرٌ - مِنْ مَادَّةِ «ق-ر-و»
 (۳) تيسرَ: الْفِعْلُ الْمَاضِي - لَهُ حُرُوفَانِ زَائِدَانِ
 (۴) تيسرَ: الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ - لَهُ حَرْفٌ زَائِدٌ
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)
۲۰۶. ۱۶. عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لِكُلِّ أَعْمَالِهَا حُرُوفٌ زَائِدَةٌ:
 (۱) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ.
 (۲) وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ.
 (۳) لَا يَجُوزُ الْإِبْرَازُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَعَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ!
 (۴) إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْتَبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَالْكَفَّارِ!
- (آزمون کانون، ۱ دی ۹۶)
۲۰۷. ۱۷. عَيْنَ الْخَطَأِ:
 (۱) تَخْرُجُوا: أَنْتُمْ
 (۲) أَشْتَعِلَ: هُوَ
 (۳) انْتَبَهَى: أَنْتَ
 (۴) اسْتَخْرَجَنَّ: هُنَّ
- (آزمون کانون، ۱ دی ۹۶)
۲۰۸. ۱۸. عَيْنَ حَرْفِ النُّونِ لَيْسَ مِنَ الْحُرُوفِ الْأَصْلِيَّةِ فِي الْفِعْلِ:
 (۱) النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاثُوا انْتَبَهُوا!
 (۲) النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاثُوا انْتَبَهُوا!
 (۳) «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ»
 (۴) «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ»
- (آزمون کانون، ۴ آبان ۹۷)
۲۰۹. ۱۹. عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطَأٌ:
 (۱) أَتَيْهَا النَّاسُ! تَحَمَّلْنَا مَشَاكِلَ مُتَعَدِّدَةً! فِعْلٌ مَاضٍ، مِنْ مَصْدَرِ «تَحْمِيلٍ»
 (۲) أَتَيْهَا الرِّجَالُ! انْتَحَبُوا مَوْظِعًا لَانْفِاقًا لِلشَّرِكَةِ! فِعْلٌ أَمْرٌ، مِنْ مَادَّةِ «ت خ ب»
 (۳) أَتَيْتِهَا النِّسَاءُ! تَكَلَّمْنَ مَعَ التَّلْمِيذَةِ بِصَوْتٍ غَيْرِ مُرْتَفِعٍ! فِعْلٌ أَمْرٌ، مِنْ مَصْدَرِ «تَكَلَّمَ»
 (۴) أَتَيْتِهَا الْبِنْتَ! اسْتَقْبَلِ الضِّيُوفَ أَحَدُ إِخْوَانِكَ! فِعْلٌ أَمْرٌ، مِنْ مَادَّةِ «ق ب ل»
- (آزمون کانون، ۴ آبان ۹۷)
۲۱۰. ۲۰. «..... ، ، خَيْرَ طَرِيقٍ لِلْوَصُولِ إِلَى السَّعَادَةِ!»؛ عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعِغِينَ:
 (۱) وَوَلَدِي وَزَمَلَاؤُهُ- تَعَلَّمُوا
 (۲) وَأَخْتِي وَزَمِيلَتُهَا- تَعَلَّمَا
 (۳) يَا أَوْلَادِي- تَعَلَّمُوا
 (۴) يَا أَخْتَانِي- تَعَلَّمَا
- (آزمون کانون، ۴ آبان ۹۷)

ترجمه

صفحه ۲۱ تا ۳۲ عربی ۱

پیمانه ۱۷
تست ۱۰

پیمانه ۱۷

■ عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۲۱۱. ۱. «هل تعلم أن مطر السمك من أعجب الظواهر الطبيعية التي تحدث في الأيام الماطرة في العالم!»: آيا می دانی...
- (آزمون کانون، ۱۷ آذر ۹۶)

- (۱) باران‌های ماهی، یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های طبیعی است که در روزهای بارانی در جهان اتفاق افتاده است!
 (۲) باران ماهی، از عجیب‌ترین پدیده‌های طبیعی است که در روزهای بارانی در جهان روی می‌دهد!
 (۳) باران ماهی، شگفت‌انگیزترین پدیده‌ی طبیعی است که در روزهای بارانی در جهان روی داده است!
 (۴) باران ماهی، از پدیده‌های عجیبی است که در روزهای بارانی در جهان روی می‌دهد!